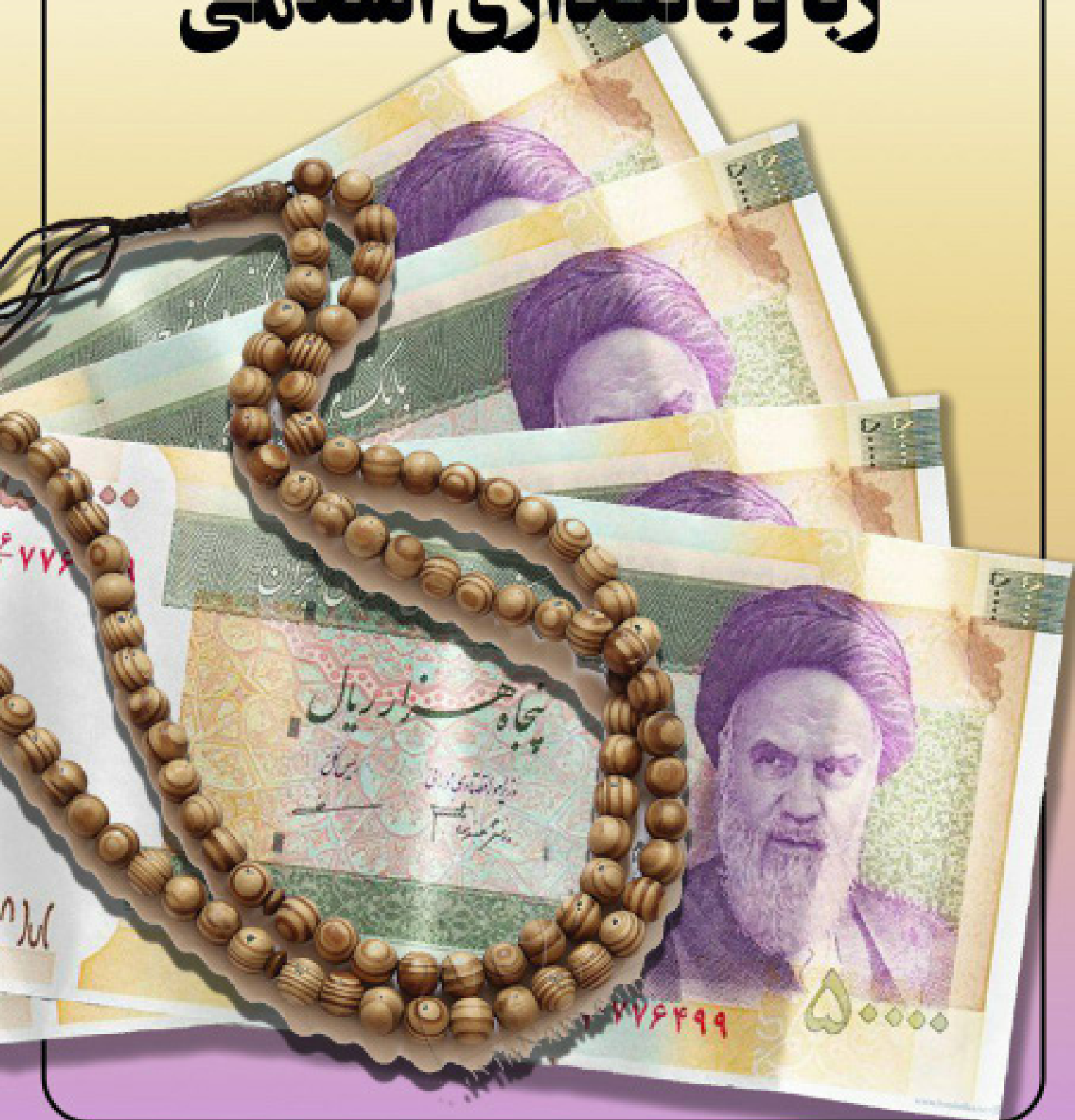


# تحکیم

نشریه رسمی اتحادیه دانشجویی دفتر تحکیم وحدت  
اردیبهشت ماه ۱۳۹۹

## ربا و بانکداری اسلامی







# بسم الله الرحمن الرحيم

نشریه ی ربا و بانکداری اسلامی

نشریه رسمی اتحادیه های اسلامی دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی سراسر کشور

صاحب امتیاز: دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول: علی دهقان

سر دبیر: علی دهقان

هیئت تحریریه:

فاطمه علیزادینیا، وحید عبدالله زاده، محمد رضا رجبی، رضا رحیمی، مرضیه انبری، بهار

سعیدی، دانشور خدابنده لو، حمیدرضا مجتبوی، سجاد مقید

ویرایش محتوایی: فاطمه علیزادینیا

طراح جلد: رضا رحیمی

صفحه آرا: محدثه سادات شمسی

با تشکر از استاد مرتضی اصفهانی که در تدوین این شماره مارا یاری نمودند

# فهرست

- ۲/.....پیش در آمد (فاطمه علیزادینیا)
- ۳/.....ربا چیست؟ (وحید عبدالله زاده)
- ۴/.....بانکداری اعظم (محمد رضا رجبی)
- ۶/.....پول بدون پشتوانه (رضا رحیمی)
- ۸/.....نیمکت مرد یهودی (مرضیه انبری)
- ۱۰/.....نرخ بهره (بهار سعیدی)
- ۱۳/.....اقتصاد مقاومتی و نظام بانکداری اسلامی (دانشور خدا بنده لو)
- ۱۵/.....قوانین، بخش نامه ها و عقود بانکداری اسلامی (حمید رضا مجتبوی)
- ۱۸/.....بانکداری بدون ربا (سجاد مقید)

# هوالحکیم پیش در آمد

به قلم فاطمه علیزادینیا  
دبیر واحد حوزه و دانشگاه دفتر تحکیم وحدت

سال ۱۹۵۲. کویت

خالد زید الخالد نخستین بانک کویتی را تأسیس میکند. مراودات بانکی و وام و سود و بهره این پدیده جدید در کویت مسلمان نشین آتشی به پامیکند و ولیعهد کویت را مجبور به استفتاء از آیت الله محمدباقر صدر میکند که «ما در کویت بانک داریم و بانک ها برای وامی که در اختیار مردم قرار میدهند سود دریافت میکنند. ما مسلمانیم و این در آیین ما جنگ با خداست. نه میتوانیم کشور را بدون بانک اداره کنیم و نه میتوانیم مشکل ربوی بودن سیستم بانکی را چاره کنیم.

«کتاب البنک لاربوی فی الاسلام» ماحصل نامه جوابیه آیت الله صدر به ولیعهد کویت در آن سال هاست که هنوز هم به عنوان تنها مرجع متن علمی و دینی در باب بانکداری اسلامی و بدون ربا است.

سال ۱۳۵۷. ایران

انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده است و نهادهای دولتی و طاغوتی یک به یک با نهاد های انقلابی و اسلامی جایگزین میشوند. اما همچنان مشکل بانک ربوی وجود دارد. به بیان دیگر نه میتوانستیم کشور را بدون بانک اداره کنیم و نه میتوانستیم مشکل ربوی بودن سیستم بانکی را چاره کنیم. علما و روحانیون تراز اول حوزوی و دانشگاهی در شورای تحت عنوان شورای فقهی سازی بانک ها گرد هم می آیند و مسئولیت حل این مشکل را برعهده میگیرند. متن مرجع هم کتاب آیت الله محمدباقر صدر انتخاب می شود تا تابعه نعل با نعل پیش بروند و در نهایت در شهریور ۶۲ قانون بانک داری بدون ربا تصویب میشود.

با اینکه تصویت این قانون حتی بعد از پنج سال از پیروزی انقلاب اسلامی و در بحبوحه سال های جنگ تحمیلی همچنان اقدام مثبت و روبه جلویی محسوب می شد اما توجه به این نکته را به دنبال دارد که در ایران هیچ گاه قانون بانک داری اسلامی تصویب نشد. چراکه به تنها متن دینی موجود کتاب آیت الله صدر بود و آنهم درباب بانک بدون ربا نگارش شده بود نه بانک داری اسلامی. در حقیقت اینطور انتظار میرفت تا تصویب قانون بانک داری بدون ربا، تدوین و تصویب قانون بانک داری اسلامی را در پی داشته باشد اما هیچگاه این اتفاق رخ نداد و تنها قانون مرجع در باب بانک داری در ایران همان قانون مصوب در شهریور ۶۲ است.

صندوق جاوید بازار تهران

صندوق جاوید بازار تهران دومین صندوق بزرگ قرض الحسنه در جهان اسلام محسوب میشد یعنی پس از صندوق قرض الحسنه

که به نوعی خزانه روزهای سخت جهان اسلام محسوب میشد، صندوق قرض الحسنه بازار تهران قرار داشت. موسسین صندوق اغلب از بازاری های بانفوذ و اعضای بلندپایه حزب مطلقه اسلامی بودند.

این صندوق در زمان طاغوت در بین متدینین جایگاهی ویژه داشت چراکه مردم پایبند به شریعت اسلامی در زمان طاغوت از سپردن پولهای خود به بانک استنکاف میکردند تا پول آلوده به ربا نداشته باشند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شورای مرکزی صندوق برآن شدند تا اولین بانک اسلامی را تأسیس کنند. موسسین عبارت بودند از: مرحوم سعید امانی، مرحوم حبیب الله عسکراولادی، اصغر رخ صفت، غلامرضا صادقی، شهید عراقی و شهید حاج ترخان.

خبر تأسیس این بانک آنقدر برای امام خوشایند بود که اولین تعرفه همکاری در بانک به مبلغ ۶۰۰ ریال توسط ایشان خریداری شد. اما وقتی خبر به مهدی بازرگان رسید سریعاً دستور ابطال مجوز بانک را صادر کرد و عملاً اولین تلاش برای تأسیس یک بانک اسلامی بی نتیجه باقی ماند.

البته اعضای صندوق قرض الحسنه جاوید بازار تهران بعدها مجوز تأسیس سازمانی تحت عنوان سازمان اقتصاد اسلامی را گرفتند. سازمان اقتصاد اسلامی پس از سقوط دولت بازرگان در دوره آیت الله مهدوی کنی و شهید رجایی به صورت محدود به کار خود ادامه میدادند.

شبکه سازی صندوقهای قرض الحسنه کشور بخوبی پیش میرفت اما هنوز مجوز تأسیس بانک به سازمان اقتصاد اسلامی و در راس آنها حزب مطلقه اسلامی داده نمیشد.

با روی کار آمدن دولت میرحسین موسوی که در بین رجل سیاسی دهه شصت به دولت اسلامگرای افراطی معروف بود، باردیگر مجوز تأسیس بانک از سوی سازمان اقتصاد اسلامی و حزب مطلقه در دستور جلسه هیئت دولت قرار گرفت اما به دلیل خصومت شخصی شخص نخست وزیر با اعضای حزب مطلقه، برای دومین بار تلاش برای تأسیس بانک اسلامی ناکام ماند.

این دومین شکست باعث شد که سازمان اقتصاد اسلامی عطای بانک اسلامی را به لقایش ببخشند و دیگر به دنبال دریافت مجوز نرفتند. البته این آخرین تلاش برای تأسیس بانک نبود. در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد هم چندین و چند طرح اجرایی شروع بکار کردند تا شاید بتوانند سایه شوم ربا و جنگ با خدا را از سر بانکها کم کنند اما همگی شکست خوردند و تحقق شعار بانکداری اسلامی در حد همایش های ادواری و گاهی ذکر مصیبت مراجع تقلید در درس خارج از فقه شان باقی ماند.

اما سوالی که در این میان آزاردهنده است و یکی از دلائل نگارش این نشریه شد این بود که برفرض عدم توانایی روحانیون و دانشگاهیان در تدوین سند بانکداری اسلامی و اکتفا به همان قانون بانکداری بدون ربا مصوب شهریور ۶۲، آیا در شرایط کنونی کشور و در ابتدای ورود به دهه پنج عمر انقلاب اسلامی سیستم بانکی در کشور بدون ربا است؟

## ربا چیست؟

به قلم وحید عبدالله زاده دبیر  
واحد بین الملل دفتر تحکیم وحدت

پس از ظهور اسلام و معامله با سکه ربا شکل امروزی گرفت که پس از قرض گرفتن پول شما متعهد می شوید که چند درصد بالاتر از آن مقدار پول را پس دهید. اما مسئله ی ربا فقط مختص به دین اسلام نیست در دین یهودیت نیز هم ربا به این شکل حرام می باشد با یک تفاوت که اخذ سود از یک غیر یهودی مشکلی ندارد در دین مسیحیت تا قرن ۵ میلادی هم ربا و اخذ سود به این شکل حرام بوده است اما پس از شروع موج مادی گرایی پس از پایان قرون وسطا و رشد بازاری های اقتصادی کلیسا دیگر نمیتوانست با مسئله ی اخذ سود و ربا مقابله کند. ربا بر دو قسم است یک ربای معاملی دو ربای دین یا قرض مورد اول همان ربایی ایست که قبل از ظهور اسلام در شبه جزیره جریان داشت که فرد دو کالا را که به صورت هم جنس بودند با هم معامله و یا معاوضه می کردند به طور مثال معاوضه ۵۰ کیلو جو با ۶۰ کیلو جو یک معامله باطل می باشد زیرا همان ربای معاملی می باشد.

اما ربای دین و یا قرض همان ربایی است که در زمان حال جریان دارد که اخذ سود هم جزو همین ربای دین و یا قرضی می باشد در حکومت اسلامی نیز اثرگذاری اجتماعی این مسئله یکی از مهمترین دلایل برای حرمت آن می باشد دلایل برای حرمت ربا در اسلام از آیات و روایات برداشت می شود که در این قسمت به آن می پردازیم:

— آیات ۲۷۸ تا ۲۸۰ سوره بقره که حرمت ربا را بیان میکند — و این روایت ((عَلَيْ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «إِذَا أَقْرَضْتَ الدَّرَاهِمَ ثُمَّ آتَاكَ بِخَيْرٍ مِنْهَا- فَلَا بَأْسَ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَكُمَا شَرْطٌ»: اگر دراهمی را قرض می دهی سپس بهتر از آن را به تو باز می گرداند اشکالی ندارد، البته اگر بین شما شرط زیاده نباشد)) وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۸، ص ۱۹۲

همواره در شریعت و فقه اسلامی به دلیل جامع بودن در مورد جایز بودن یا جایز نبودن اعمال انسان دو تاثیر را بررسی می کردند یک اثر فردی آن عمل و دو اثر اجتماعی آن پس از ظهور حکومت اسلامی در صدر اسلام مدیریت کردن جامعه اسلامی با توجه به شریعت اسلامی شکل گرفت. یکی از بخش های مهم یک حکومت مسئله ی مدیریت اقتصادی آن جامعه است و اینکه قوانین اقتصادی در یک حکومت اسلامی متناسب با شریعت اسلامی خواهد بود. حال با توجه به اینکه در یک جامعه اسلامی اعمال و رفتار و نتیجه آن ها اثرگذار خواهد بود در این متن به تعریف یکی از رفتار های غلط در اقتصاد یک جامعه خواهیم پرداخت.

ربا عملیست که به منظر هم اثرگذاری اجتماعی و هم اثر گذاری فردی از سمت اسلام نهی شده است حال تعریف ساده ای که می توان در ابتدا در مورد ربا بیان کرد در حقیقت ((معامله ایست که ارزش کالاهای مورد معامله برابر نخواهد بود)) قبل از ظهور اسلام در منطقه ی شبه جزیره ربا رواج داشت اما به صورت کالا به کالا یعنی اگر شخصی کالایی را برای مدتی قرض میگرفت پس از مدتی باید همان کالا بعلاوه ی یک یا چند کالای دیگر را بر می گرداند.



# بانکداری اعظم

# BANK

به قلم

محمد رضا رجبی دبیر واحد جنگ نرم دفتر تحکیم وحدت

خاندان مدیچی شده بودند کلیساهایی ساختند و نقاشان در جای جای دیواره ها و سقف این کلیسا ها، ملائکه و انبیاء الهی را به صورت نیمه برهنه و برهنه به تصویر کشیدند! اینگونه بود که کلیسایی که باید محل آرامش و عبادت می گردید خود محلی برای اشاعه ی بی اخلاقی و درگیر شدن حواس مردم به مسائل جنسی گردید. به مرور زمان این اقدامات موجب فاسد شدن اقتصاد و فرهنگ و اخلاق مردم شدند. در قدم نهایی مدیچی ها موفق شدند نظام سیاسی را به دست بگیرند و نیکولو ماکیاولی با هزینه ی این خاندان مامور به نگاشتن کتاب شهریار و طرح ریزی نظام نوین سیاسی گردید.

خاندان مدیچی بوجود آمد. خاندان مدیچی را می توان صاحبان و مجریان رنسانس در اروپا و بازگشت به عصر قبل از مسیحیت امپراتوری روم دانست. این نظام جدید سیاسی حاصلش به حاشیه رانده شدن دین و کلیسا از عرصه حکومتی و سیاسی و تعیین کننده بودن بانکداران در روی کار آمدن سیاست مداران و حاکمان بود. به تعبیر دیگر، بانکداران تبدیل به اربابان بلامنازع جهان غرب شدند که دو وجه دیگر ساختار قدرت در تمدن جدید غرب یعنی روحانیون (پاپ ها) و سیاسیون (پادشاهان و حاکمان) متأثر از آن بودند.

روند تسلط بانکداران در نظام جدید تمدنی غرب

آنها سپس سراغ پاپ و کلیسا رفتند و رسیدگی به منابع مالی پاپ را بر عهده گرفتند تا در ازای گرفتن سرمایه کلیسا، به نهاد کلیسا سودهای ربوی بدهند. بدین ترتیب شروع به ربا دادن به پاپ کردند و موفق شدند دستگاه پاپ و کلیسا را ربا خوار کنند. از در اقتصاد و معیشت وارد شدند و کلیسا را به نهادهی ضد انجیل و کتاب مقدس تبدیل کردند.

معماران در اقدامی دیگر برای وارد کردن ضربه فرهنگی به کلیسا، مجسمه سازان و معماران و نقاشان ترد شده توسط کلیسا را جذب دستگاه خود کردند و مجسمه سازان ساخت مجسمه هایی برهنه از پیکره انسان و حتی پیامبران الهی را در دستور کار خود قرار دادند. معمارانی که وارد دستگاه خاندان مدیچی شده بودند کلیساهایی ساختند و نقاشان در جای جای دیواره ها و سقف این کلیسا ها، ملائکه و انبیاء الهی را به صورت نیمه برهنه و برهنه به تصویر کشیدند! اینگونه بود که کلیسایی که باید محل آرامش و عبادت می گردید خود محلی برای اشاعه ی بی اخلاقی و درگیر شدن حواس مردم به مسائل جنسی گردید. به مرور زمان این اقدامات موجب فاسد شدن اقتصاد و فرهنگ و اخلاق مردم شدند. در اقدامی دیگر برای وارد کردن ضربه فرهنگی به کلیسا، مجسمه سازان و معماران و نقاشان ترد شده توسط کلیسا را جذب دستگاه خود کردند و مجسمه سازان ساخت مجسمه هایی برهنه از پیکره انسان و حتی پیامبران الهی را در دستور کار خود قرار دادند. معمارانی که وارد دستگاه

بررسی های تاریخی برای مطالعه ی مدل هایی که پیشینیان برای اداره جوامع از آن ها بهره برده اند، معمولا به دو حوزه خلاصه می شود. اول، طرح هایی که انبیاء و ائمه برای اداره ی جامعه از آن ها استفاده کرده اند و دوم، طرح هایی که پادشاهان و حاکمان جوامع برای مدیریت جامعه از آنها بهره برده اند.

عرصه ی ناشناخته یا کمتر شناخته شده ی دیگری از طراحان و طرح های آن ها وجود دارد که در قرن پانزدهم میلادی توسط خانواده ای بانکدار به نام خانواده مدیچی پایه گذاری شد.

شکل گیری و قدرت گرفتن خاندان بانکدار مدیچی در قرن پانزدهم میلادی موجب به هم خوردن ساخت سیاسی حاکمیتی دو وجهی دوک نشینان (سیاسیون) پاپ ها (عالمان دین) در جهان مسیحی آن روز گردید و نظام حاکمیت سه وجهی جدیدی متشکل از سیاسیون (دوک ها) عالمان دین (پاپ ها) بانکداران بوجود آورد.

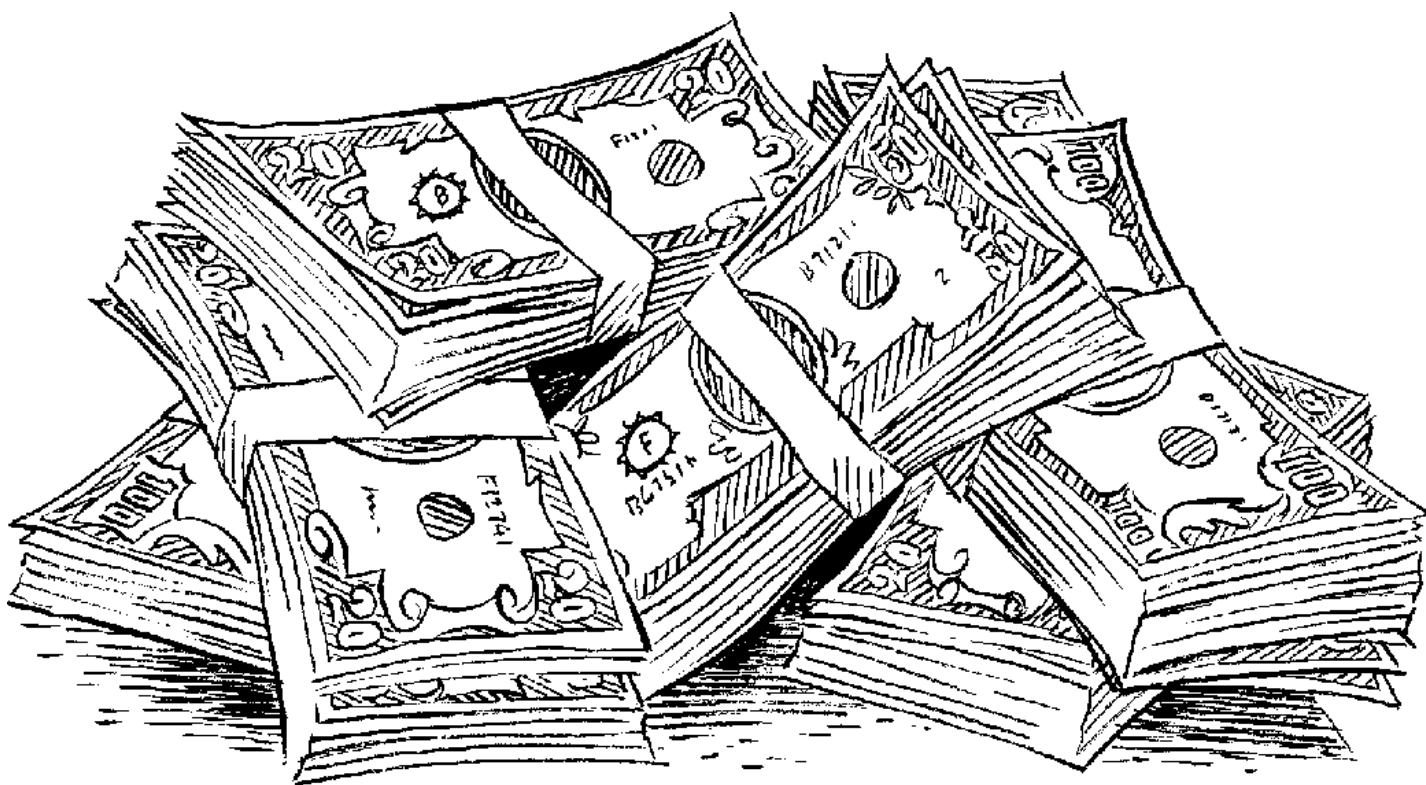
در این متن به تاریخ شکل گیری و اقدامات خاندان مدیچی نمی پردازیم، بلکه نحوه ی رسیدن به مراتب بالای حکومتی و بوجود آوردن نظام سیاسی جدید توسط این خاندان را بررسی می کنیم.

به دلیل حرام بودن ربا دادن به یهودیان در آیین یهود، خاندان مدیچی ابتدا اعلام مسیحیت کردند و سپس شروع به ربا دادن به مسیحیان کردند. برای تسهیل این کار، اقدام به تاسیس بانک نمودند و شروع به دادن ربای سازمان یافته به مسیحیان کردند.

روند تسلط بانکداران در نظام حاکمیتی به اربابان بلامنازع جهان غرب شدند که دو روند تسلط بانکداران در نظام جدید تمدنی جدید در غرب، پس از رنسانس تا کنون در وجه دیگر ساختار قدرت در تمدن جدید غرب غرب خانواده های بانکدار هم چنان پایدار بوده و یعنی روحانیون (پاپ ها) و سیاسیون (پادشاهان) روند تسلط بانکداران در نظام حاکمیتی هست. پس از خاندان مدیچی، خاندان بانکدار و حاکمان) متأثر از آن بودند. سوم، جداکردن جدید در غرب، پس از رنسانس تا کنون در روتچیلدها، سپس خاندان بانکدار مورگان ها و دین از سیاست با اقدام به توسعه ی سیاسی خانواده های بانکدار هم چنان پایدار بوده و در عصر حاضر خانواده بانکدار راکفلر چنین و برهم زدن نظم دو وجهی پاپ (علما و هست. پس از خاندان مدیچی، خاندان بانکدار نقشی را در جهان امروز ایفا کرده اند. روحانیون) دوک ها (حاکمان یا سیاسیون) روتچیلدها، سپس خاندان بانکدار مورگان ها و به طور کلی این طرح در سه مرحله پیگیری و بوجود آوردن ساخت سه وجهی پاپ در عصر حاضر خانواده بانکدار راکفلر چنین و اجرا گردید: بانکداران دوک ها (علمان دینسیاسیونبانکداران) نقشی را در جهان امروز ایفا کرده اند.

اول، جدا کردن دین از معیشت مردم با ایجاد و پول دادن به ماکیاولی برای نگاشتن کتاب مهم ترین نتیجه ای که می توان از روند بانک و ربا دادن به مردم و ربوی کردن منابع شهریار برای اشاعه و طرح ریزی نظام جدید فعالیت پانصد ساله اخیر این خاندان ها مالی کلیسا. گرفت این است که کنار گذاشتن دین از

دوم، جداکردن دین از فرهنگ و اخلاق مردم بدین ترتیب طبقه ی بانکداران، بعنوان طبقه عرصه حکومتی و فرهنگ و اخلاق مردم در با آلوده کردن کلیسا به تصاویر مستهجن و ی جدید در ساخت حکومتی در جهان غرب با آلوده شدن معیشت مردم و سیستم ساختن مجسمه های برهنه از انبیاء و... به از حدود پانصد سال پیش توسط خاندان مالی کلیسا به ربا شروع شد و برای بازگرداندن حاشیه رانده شدن دین و کلیسا از عرصه مدیچی بوجود آمد. خاندان مدیچی را می دین به عرصه ی حاکمیت جهانی و اخلاق و حکومتی و سیاسی و تعیین کننده بودن توان صاحبان و مجریان رنسانس در اروپا و فرهنگ مردم در مرحله اول که مهمترین مرحله بانکداران در روی کار آمدن سیاست مداران و بازگشت به عصر قبل از مسیحیت امپراتوری نیز هست، چاره ای جز مبارزه و از بین بردن حاکمان بود. به تعبیر دیگر، بانکداران تبدیل روم دانست. این نظام جدید سیاسی حاصلش سیستم مالی ربوی در دنیا وجود ندارد.



# پول بدون پشتوانه

به قلم رضا رحیمی، دبیر واحد تبلیغات دفتر تحکیم وحدت



پیش از اینکه پول، یعنی ابزار معامله، اینطور توسعه پیدا کند، مردم برای به دست آوردن کالاها و خدمات مورد نیازشان داد و ستد پایاپای (کالا به کالا) می‌کردند و دو نفر که هر کدام صاحب اجناس مورد نیاز دیگری بودند، برای تبادل اجناس توافق می‌کردند.

این شکل اولیه تبادل، از تقسیم‌پذیری و قابلیت انتقالی که معامله را کارآمدتر می‌کند برخوردار نبود. مثلاً اگر شما گاو دارید و به نان احتیاج دارید، باید کسی را پیدا کنید که تنها نان دارد و گوشت می‌خواهد. اگر کسی را پیدا کنید که گوشت بخواهد و نان نداشته باشد و به شما برنج بدهد چه؟ برای اینکه گوشت شما را بگیرد باید کسی را پیدا کند که نان دارد و برنج می‌خواهد و ...

نبود قابلیت انتقال آسان در تبادل کالا به کالا، خسته کننده، گیج کننده و ناکارآمد است. مشکل به همینجا ختم نمی‌شود؛ حتی اگر شما کسی را پیدا کنید که بخواهد نان را با گوشت معاوضه کند، شاید آن مقدار جنسی که او دارد ارزش گاو شما را نداشته باشد. پس باید راهی پیدا کنید که گاوتان را چند تکه کنید و تصمیم بگیرید که در ازای قسمتی از گاو چند نان می‌خواهید.

برای حل این مشکلات «پول کالایی» به وجود آمد؛ این پول نوعی از کالا بود که به عنوان نوعی ارزش کار می‌کرد. مثلاً مستعمرات آمریکایی در سده‌های ۱۷ و ۱۸ از پوست سگ آبی و ذرت خشک شده در معاملات استفاده می‌کردند. این پول‌های کالایی که ارزش مشخصی داشتند برای خرید و فروش به کار گرفته می‌شدند. کالاهای مورد استفاده برای معامله ویژگی‌های مشخصی داشتند: مورد طلب عموم مردم بودند، ارزش داشتند و همچنین بادوام، قابل حمل و قابل ذخیره کردن بودند. نمونه دیگری از پول کالایی، فلزهای گران‌بها مانند طلا بودند که

تا پیش از دهه ۱۹۷۰، قرن‌ها به عنوان پول رایج مورد استفاده قرار می‌گرفت. به عنوان مثال در مورد دلار آمریکا اینطور بود که دولت‌های خارجی می‌توانستند دلارهای آمریکایی‌ها را بگیرند و در عوض مقدار مشخصی طلا به بانک مرکزی آمریکا بدهند. جالب اینجاست که طلا بر خلاف پوست و ذرت خشک شده (که برای پوشاک و خوراک هم کاربرد دارند) ارزشمند است چون مردم طالب آن هستند. طلا ضرورتاً کاربردی ندارد و نه می‌توان آن را خورد و نه شما را در شب گرم نگه می‌دارد، اما اکثر مردم فکر می‌کنند که طلا زیباست و می‌دانند که دیگران هم همینطور فکر می‌کنند. بنابراین طلا چیز است که خیالتان از بابت باارزش بودن آن راحت است. پس طلا به باور مردم به عنوان یک توکن فیزیکی باارزش شناخته می‌شود. اگر به رابطه بین پول و طلا فکر کنیم می‌توانیم بفهمیم که پول (به عنوان نمودی از یک چیز ارزشمند) هم ارزش خود را چطور به دست آورده است.

نوع دوم پول، پول فیات است که به ارز دولتی بدون پشتوانه طلا یا نقره گفته می‌شود که ارزش خود را از عرضه و تقاضا و ثبات دولت صادرکننده آن می‌گیرد. ارزهای بزرگ جهان بدون پشتوانه هستند و این پول دارای مزایا و معایبی است؛ مثلاً اگر دولت‌ها بتوانند مدیریت مناسبی بر عرضه پول و مدیریت اقتصادی داشته باشند، می‌تواند منافع زیادی در پی داشته باشد. اما در صورت بروز اشتباهاتی مانند چاپ بیش از حد اسکناس، تورم شدیدی شکل می‌گیرد، مانند آنچه در اوایل قرن اخیر در ژیمباوه رخ داد.

پول فیات یا بدون پشتوانه همان ارز دولتی است که از حمایت یک کالای فیزیکی مانند طلا یا نقره برخوردار نیست بلکه توسط دولت پشتیبانی می‌شود. ارزش پول فیات به جای ارزش کالای پشتیبان آن، مانند آنچه در پول کالای می‌بینیم، از رابطه

بین عرضه و تقاضا و ثبات دولت صادرکننده آن تامین می‌شود. بیشتر ارزهای کاغذی مدرن از جمله دلار ایالات متحده، یورو و ارزهای بزرگ دیگر جهان، ارزهای فیات هستند.

کلمه فیات از ریشه لاتین گرفته شده است و می‌توان آن را به «باید باشد» یا «بگذار انجام شود» ترجمه کرد. فیات یک ارز دولتی است که پشتوانه کالایی (مثلاً طلا) ندارد. پول فیات کنترل اقتصاد را به دست بانک‌های مرکزی دولت‌ها می‌دهد چون آن‌ها هستند که میزان چاپ اسکناس را تعیین و کنترل می‌کنند. یکی از خطرات پول فیات این است که کشورها ممکن است میزان زیادی از آن را چاپ کنند که باعث ایجاد ابر تورم (hyperinflation) می‌شود.

پول فیات تنها به این دلیل ارزش دارد که دولت ارزش آن را حفظ می‌کند یا چون دو طرف معامله بر سر ارزش آن توافق دارند. از نظر تاریخی، دولت‌ها با استفاده از فلزات گران‌بهایی مانند طلا و نقره سکه ضرب می‌کردند یا پولی کاغذی چاپ می‌کردند که قابل معاوضه با مقدار مشخصی کالای فیزیکی بود. پول فیات قابل تبدیل نبوده و نمی‌تواند بازخیرد شود. بیشتر ارزهای کاغذی مدرن از جمله دلار ایالات متحده پول فیات هستند.

به این دلیل که پول فیات به ذخایر فیزیکی مانند اندوخته طلا یا نقره ملی پیوند نخورده است، ریسک از دست دادن ارزش خود به دلیل تورم یا حتی بی‌ارزش شدن در صورت بروز ابر تورم را دارد. اگر مردم باور خود به ارز ملی را از دست بدهند، آن پول دیگر نمی‌تواند ارزش خود را حفظ کند. این مورد با ارزی که مثلاً دارای پشتوانه طلاست تفاوت دارد. این ارز به دلیل تقاضا برای طلا در صنعت جواهرات و همچنین تولیدکنندگان لوازم الکترونیکی، کامپیوترها و وسایل نقلیه هوایی، از ارزشی ذاتی برخوردار است.

دلار ایالات متحده هم یک پول فیات و هم پول قانونی رایج (legal tender) است که برای بدهی‌های خصوصی و عمومی مورد پذیرش است. پول قانونی رایج اساساً به ارزی گفته می‌شود که قانونی بودن آن توسط دولت اعلام شود. دولت‌های زیادی اقدام به چاپ ارز فیات کرده و سپس با تعیین آن به عنوان استاندارد پرداخت بدهی، آن را به پول قانونی رایج بدل می‌کنند.

در ایالات متحده، در گذشته ارز این کشور دارای پشتوانه طلا (و در برخی موارد نقره) بود. دولت فدرال از زمان تصویب لایحه بانکداری فوق‌العاده سال ۱۹۳۳، شهروندان را از معاوضه ارز با طلای دولتی منع کرد. استاندارد طلا که ارز ایالات متحده را با طلای دولتی مورد پشتیبانی قرار می‌داد، در سال ۱۹۷۱ که ایالات متحده ارسال طلا به دولت‌های خارجی به ازای ارز ایالات متحده را متوقف کرد، به طور کامل به پایان رسید. از آن زمان گفته می‌شود که دلار آمریکا دارای پشتوانه «ایمان و اعتماد کامل» دولت ایالات متحده است، و «پول قانونی

پول فیات در صورتی که بتواند نقش‌هایی را ایفا کند برای بدهی‌های عمومی و خصوصی» شناخته می‌شود اما در خزانه‌داری ایالات متحده یا بانک مرکزی، مانند سابق دیگر با پول قابل بازخیرد نیست. بدین صورت دلار ایالات متحده حالا دیگر پولی قانونی است که قابلیت معاوضه با طلا، نقره یا کالاهای دیگر را ندارد.

که اقتصاد یک ملت از واحد پولی خود انتظار دارد، نقش‌هایی مانند ذخیره ارزش، ایجاد حساب عددی و تسهیل تبادل، به عنوان یک ارز خوب عمل خواهد کرد. پول فیات سینیورژ یا درآمد حاصل از چاپ و نشر پول بسیار خوبی دارد.

ارزهای فیات در قرن بیستم اهمیت و رواج یافتند و دلیل این رواج و اهمیت تا حد زیادی این بود که دولت‌ها و بانک‌های مرکزی به دنبال ایمن نگه داشتن اقتصادهای خود از بدترین اثرات رونق و رکود ملی چرخه‌های کسب‌وکار بودند. از آنجایی که پول فیات یک منبع کمیاب یا ثابت مانند طلا نیست، بانک‌های مرکزی کنترل بسیار بیشتری بر عرضه آن دارند و همین امر به آنان قدرت بیشتری برای مدیریت متغیرهای اقتصادی مانند عرضه اعتبار، نقدینگی، نرخ سود و نوسان قیمت می‌دهد. به عنوان مثال، بانک مرکزی ایالات متحده مسئولیت دوگانه پایین نگه داشتن نرخ بیکاری و تورم را دارد.

با این حال، بحران مسکن سال ۲۰۰۷ و بحران‌های مالی متعاقب آن، این باور که بانک‌های مرکزی می‌توانند از رکود جدی اقتصادی توسط تنظیم عرضه پول جلوگیری کنند کمرنگ شد. به عنوان مثال، یک ارز دارای پشتوانه طلا عموماً با ثبات‌تر از پول فیات است چون عرضه طلا محدود است. فرصت‌های بیشتری نیز برای ایجاد حباب با پول فیات وجود دارد چرا که عرضه آن نامحدود است.

کشور آفریقایی زیمباوئه در اوایل دهه ۲۰۰۰ به یکی از بدترین نمونه‌های ابر تورم تبدیل شد. بانک مرکزی زیمباوئه در پاسخ به مشکلات شدید اقتصادی، شروع به چاپ پول با سرعت بسیار بالا کرد. این امر منجر به ابر تورم شد و نرخ تورم در سال ۲۰۰۸ در بازه ۲۳۰ تا ۵۰۰ میلیارد درصد قرار داشت. قیمت‌ها به شدت افزایش یافتند و مصرف‌کنندگان برای خرید محصولات مورد نیاز روزمره خود مجبور به حمل جعبه‌های بزرگ پول بودند. در اوج بحران، هر ۱ تریلیون دلار زیمباوئه حدود ۵۰ سنت ایالات متحده ارزش داشت.

# نیمکت مرد یهودی

به قلم مرضیه انبری عضو  
شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا



آخرین خطابه های اباعبدالله(ع) که آرای اندیشمندان پیشین غربی و شرقی و از هیچ کس ربا نگردید و دوم اینکه برای ما در تاریخ ثبت شده است یکی از معضلاتی است که جمهوری به همه وام و قرض دهید از هیچ کس علت اینکه حرف حق ایشان در گوش اسلامی همچنان با آن درگیر است. وام نگیرد.

لشکر دشمن نمیرفت را لقمه ی حرامی نظریات التقاطی سوسیالیسم در دهه مدل اقتصادی ایده آل یهودیان در دانستند که طی سال های متمادی به شصت و لیبرالیسم در دولت های پس سال های پس از استعمار های سه از دهه شصت هر کدام به نحوی گانه بست و گسترش پیدا کرد و تحت متاسفانه ناهنجاری های بسیاری امروز دست و پا شکسته اجرا شد و همواره پوشش های مختلفی به جهانیان عرضه در اجتماع مسلمان ما وجود دارد که با ترفند افزودن پسکند اسلامی به شد و نظام مالی آن ها با سه نهاد سوای از بررسی تهاجم فرهنگی و این آراء سعی در مخفی کردن کمی بانک، بورس، اوراق قرضه رواج یافت. تقابل با فرهنگ اسلامی شاید بیراه ها و کاستی های این آراء شد. بانک یهود همواره بنگاه های اقتصادی نباشد اگر یکی از علل آن را مفتسد داری اسلامی نیز چنانچه ما با معنوی قدرتمند را در دست داشته است و اقتصادی که همه ی آحاد جامعه لغوی و اصطلاحی بانک آشنا شویم اگر هم در دست دیگران بوده اند را درگیر خود ساخته است بدانیم. خالی از این تناقضات نخواهد بود. لابی های صهیونیست سعی در نفوذ وقتی صحبت از یک فساد اقتصادی بانک در زبان لاتین به معنی «نیمکت در مراکز ثروت داشته اند که میتوان در میان باشد گاهها اذهان عموم به «است و شان کلمه بانک، ربا است؛ به حضور پر رنگ ایشان در سیستم سمت اختلاس ها در یک طبقه ی بانک نیز در معنای نخستین خود به اقتصادی ایالات متحده آمریکا اشاره خاص سوق پیدا می کند در حالی محل نشست یهودیان و خدمات پولی کرد. اقتصادی که ایشان بنای ساخت که مسائلی همچون ربا که به تعبیر بود که به مردم اطراف خود ارائه می آن را دارند بر پای پول بنا نهاده قرآن جنگ با خدا محسوب می شود کردند.

در صورت شیوع تمام اقشار و دهک اطراف خود ارائه می کردند.

های درآمدی جامعه را به طرق مختلف مستحضر هستید که یهودیان پیش از آن وارد نیست مثل دلار آمریکا که هر درگیر می کند. بنابراین اصلاح بزرگ مهاجرت به اراضی اشغال و تاسیس زمان قادر به انتشار آن و تزریق تورم ترین سازمان پولی و اقتصادی کشور رژیم صهیونیستی در اروپا پراکنده به اقتصاد های کوچک تحت تاثیر دلار یعنی سیستم بانکی ماموریت مهمی در زندگی می کردند آن ها که گروه پول هستند و اتصال اقتصاد تمام کشور ها جهت تامین سلامت دینی، فرهنگی و پرست و منفوری بودند در محله هایی به وسیله ی صندوق بین المللی پول اقتصادی جامعه است. به همین سبب تحت عنوان «گتو» حضور داشتند و و بانک جهانی، وصل بودن به نظام مختصری از نخستین بانک ها و چپستی برای اولین بار شروع به ربا دادن به ربوی که خیلی آشکار نیست را آسان این مجموعه را بیان می کنیم. عدم مردم کردند و در عین حال از دو اصل می کند، ماحصل تجارب اقتصادهای تدوین نظریه های اسلامی مستقل از پیروی می کردند: اول اینکه ربا بدهید سرمایه داری در بحران هایی نظیر

آنچه سال ۲۰۰۸ پیش آمد و سیاست دیگر بانک برام وام دادن سود بالای های ریاضت اقتصادی را به همراه ۴ درصد دریافت میکند. ۴ درصد داشت و آن چه امروز بیماری کرونا مجموعه ی کارمزد خدمات بانکی برای کشورهای دارای بدهی به بار است اما سود بالاتر از این سوق دادن آورده است قابل ملاحظه می باشد. پول به سمت ربا است. اما در قبال در مصداق کوچک و ملموس به این این مسئله چه باید کرد؟ متأسفانه اقشار متوسط جامعه میتوان مثال وام سیستم مالی مردم نهادی را که قرآن سرمایه گذاری و وام گرفتن را زد. بانک و دین مشخص کرده اند دو بار در همواره فقط سود می دهد و مردم در کشور ما به دست فراموشی سپرده ضرر پروژه ها سهم نیستند گویی شد اول در دهه شصت که به نام خودشان در مقام ربا دهنده ظاهر جنگ و اقتصاد تماما دولتی، دولت با شده اند و از سوی دیگر بانک برام صندوق های قرض الحسنه مردم به وام دادن سود بالای ۴ درصد دریافت مخالفت پرداخت و دوم در دوران پس از جنگ و شروع اندیشه های نئولیبرالی نیستند گویی خودشان در مقام ربا ساختمان های مجلل دولتی در اختیار دهنده ظاهر شده اند و از سوی بانک ها قرار گرفت و تبلیغات رسانه

ها نیز در قرق لوگوهای پر زرق و برق بانک ها در آمد. و اقتصاد اسلامی که بجای شمار اسکناس ها باید برکت مبنای آن باشد و بجای ربا، قرض الحسنه بین مردم رواج پیدا کند تا در ازای دست یقه سفیدهای سرمایه دار، یدالله تنظیم کننده ی بازار باشد به حاشیه رانده شد. نمیتوان اخلاق سرمایه داری را در بین آحاد مردم رواج داد و افق تصمیم گیری ایشان را در محدوده ی سود و انباشت پول و سرمایه گذاری های بلند مدت بست و انتظار سلامت جامعه را داشت بنابراین لازم است که اندیشه های اقتصادی نظام در جهت پایداری رزق حلال مورد بررسی مجدد قرار گیرد.



# نرخ بهره

به قلم بهار سعیدی، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا

ربا و بهره بانکی

بررسی دیدگاه های توجیه کننده مشروعیت وجود نرخ بهره

از زمان ورود دانش نوین بانک داری در کشور های اسلامی گروه هایی با ارائه برداشت های گسترده از مفهوم ربا کل بانکداری متعارف را مورد نقد قرار داده و امکان استفاده از این دانش در چارچوب اسلامی را به نوعی غیر عملی می دانند. در مقابل برخی از محققین تلاش نموده اند تا به دلیل اهمیت متغیر نرخ بهره برای سیاستگذاری در اقتصاد کلان، و به این خاطر که نرخ بهره می تواند بحران های مالی و بدهکاری عمیق جهانی را نمایان تر سازد؛ با ارائه برخی از برداشت های خاص از مفهوم ربا به نحوی نشان دهند که ربا در اسلام شامل بهره بانکی نمی گردد یا حرمت ربا ارتباطی با بهره بانکی ندارد. لذا می توان به طور کامل از بانکداری متعارف، در کشورهای اسلامی استفاده کرد. بنابراین؛ برداشت های مختلفی در زمینه رابطه ربا و بهره بانکی مطرح گردیده که مهمترین دیدگاه های توجیه کننده بهره بانکی در این نوشته بررسی شده است.

اختصاص ربا به بهره قراردادی و مشروعیت بهره طبیعی

برخی از اقتصاددانان به مقوله مقایسه ربا، بهره طبیعی و بهره قراردادی پرداخته و ربای حرام در اسلام را محدود به بهره قراردادی می نماید. استدلال این گروه در توجیه عدم امکان حذف سود بهره آن است که بدون وجود نرخ بهره که ارزش درآمد حاضر را در قبال درآمد آتی مشخص می کند، تنظیم درآمد های آینده به ارزش فعلی امکان پذیر نیست. بنابر این تعیین قیمت کالاها در زندگی اقتصادی متوقف بر وجود نرخ بهره است. به این ترتیب نرخ بهره عامل تعادل در کل نظام قیمتی است.

در این جا منظور از بهره قراردادی درآمدی است که صاحب سرمایه در قرارداد های رسمی و حقوقی در قبال در اختیار دیگران قرار دادن سرمایه کالایی و یا نقدی خود مطالبه می کند. اما بهره طبیعی درآمدی است که مستقل از قیمت سرمایه یا

یا پول بوده ولی بر آن اثر دارد. بهره طبیعی بر مبنای ارزش گذاری جامعه برای یک واحد درآمد حاضر در مقابل همان مقدار درآمد در آینده (معمولا یک سال بعد) تعیین می گردد. این تفاوت در ارزش که تنها به دلیل تفاوت در زمان ایجاد می شود و در زندگی اقتصادی، حال را به آینده پیوند می دهد، بهره طبیعی نام دارد.

زندگی اقتصادی، حال را به آینده پیوند می دهد، بهره طبیعی نام دارد.

قائلین به این تفکر معتقدند که در دیدگاه متفکرین مسلمان دو مفهوم بهره قراردادی و بهره طبیعی با یکدیگر خلط شده و برداشت اقتصاددانان مسلمان از بهره در ادبیات اقتصادی متعارف، بهره قراردادی است. در حالی که به نظر می رسد منظور از بهره در ادبیات اقتصادی غرب بهره طبیعی باشد. به بیانی دیگر، در این برداشت، تمام اشکال قراردادی بهره من جمله ربا ریشه در مفهوم بهره طبیعی دارد. لذا حرمت ربا در اسلام حداکثر می تواند به معنای تنها یکی از اشکال حقوقی باشد که بهره طبیعی در قبال آن به طور رسمی انعکاس پیدا می کند. این نتیجه نشان می دهد که در این دیدگاه از نظر اقتصادی تفاوتی بین تامین مالی در اسلام و تامین مالی متعارف وجود ندارد. به این معنا که در تمامی عقود اسلامی درآمد حاصل از تامین مالی آنچه مازاد بر اصل ایجاد می گردد به یک حقیقت اقتصادی واحد برگشت می کند و آن این که سرمایه در بازار از دیدگاه اقتصادی علاوه بر ارزش مبادله ای دارای یک ارزش اضافی است. این ارزش اضافی پل ارتباطی حال با آینده در زندگی اقتصادی بوده و نقش مهمی در کل نظام قیمتی ایفا می کند.

این دیدگاه هم از منظر فقهی - کلامی و هم از منظر اقتصادی دارای نقد های اساسی می باشد. محدود دانستن ربا به رابطه حقوقی یک تالی فاسد دارد و آن این که اگر در جایی رابطه حقوق حل شد و قرارداد از قرض خارج شد، آنگاه نباید دیگر ربا قابل تصور باشد. در حالی که اینطور نبوده و بر اساس دیدگاه قاطبه فقها همه انواع ربا نامشروع دانسته شده است.

در ثانی حکمت هایی که در احادیث در رابطه با حرمت ربا آمده است، اشاره به مسائل اقتصادی دارد نه حقوقی. به عنوان نمونه انجام اعمال خیر مانند قرض الحسنه و انفاق، جلوگیری از انجام ظلم در جامعه، جلوگیری از تجارت و... بنابر این اگر توجیهات این گروه در محدود بودن ربا به بهره قراردادی صحیح فرض شود، آنگاه حکمت های اقتصادی مورد اشاره در بسیاری از احادیث و حتی برخی از آیات در رابطه با آثار اجتماعی و اقتصادی که در اثر رواج رباخواری در جامعه به وجود می آید زیر سوال خواهد رفت.

خلط بین مفهوم پول و سرمایه یکی دیگر از چالش های این دیدگاه از منظر اقتصادی است. در ادبیات متعارف، پول نیز نوعی سرمایه در نظر گرفته می شود که خلط بین این دو مفهوم زمینه ای برای توجیح بهره، حتی بهره قراردادی است. در حالی که پول الزاما سرمایه نیست. همچنین سرمایه در اقتصاد اسلامی دارای عایدی حتی عایدی ثابت و از پیش تعیین شده می باشد ولی پول به خودی خود مستحق هیچ نوع بهره ای نیست. ظرفیت بالقوه پول که می تواند در آینده به سرمایه تبدیل شده و در خدمت تولید قرار گیرد، هیچ حقی برای پول در جهت دریافت مازاد ایجاد نمی کند. پول برخلاف سایر کالا ها دارای ارزش ذاتی نیست بلکه دارای ارزشی اعتباری، قراردادی می باشد. بنابراین، این ادعا که پول در ماهیت خود ذاتا مستحق پاداشی به نام بهره طبیعی است اساسا قضاوتی ارزشی است. پول الزاما سرمایه نیست. همچنین سرمایه در اقتصاد اسلامی دارای عایدی حتی عایدی ثابت و از پیش تعیین شده می باشد ولی پول به خودی خود مستحق هیچ نوع بهره ای نیست. ظرفیت بالقوه پول که می تواند در آینده به سرمایه تبدیل شده و در خدمت تولید قرار گیرد، هیچ حقی برای پول در جهت دریافت مازاد ایجاد نمی کند. پول برخلاف سایر کالا ها دارای ارزش ذاتی نیست بلکه دارای ارزشی اعتباری، قراردادی می باشد. بنابراین، این ادعا که پول در ماهیت خود ذاتا مستحق پاداشی به نام بهره طبیعی است اساسا قضاوتی ارزشی است.

اختصاص ربا به فعالیت های تجاری و حلیت بهره در سیاستگذاری پولی

گروهی از اقتصاددانان بر این باورند که نرخ بهره سیاستی و فرایند سیاست گذاری بانک مرکزی بر اساس نرخ بهره، مشمول ادله حرمت ربا نبوده و حکم فقهی متفاوتی دارد.

در واقع در نگرش این دسته افراد، در مبانی فقه اسلامی قرض میان دو فرد حقیقی که متضمن شرط اضافه برای قرض دهنده باشد، مصداق ربا شناخته شده و در آیات و روایات نیز فلسفه تحریم آن ظلم و بی عدالتی، تعطیلی کسب و کار و... ذکر شده است. اما بر خلاف بانک های تجاری که به صورت یک بنگاه اقتصادی عمل می کنند؛ بانک مرکزی در تمام کشور ها به عنوان یک نهاد دولتی تنها به دنبال اعمال سیاست های پولی و ایجاد شرایط تعادلی در فضای کسب و کار است. و هرگز به دنبال کسب سود نمی باشد. بنابر این می توان این گونه

نتیجه گرفت که استفاده بانک مرکزی از سازوکار نرخ بهره و یا عملیات بازار باز (خرید و فروش اوراق قرضه دولتی در بازار آزاد) برای سیاست گذاری پولی امری طبیعی است و مشمول ادله حرمت ربا قرضی نمی شود. این گروه معتقدند هیچ کدام از فلسفه های حرمت ربا در مورد بهره سیاستی بانک مرکزی (نرخ بهره اوراق قرضه) صدق نمی کند.

در این دیدگاه دو دلیل برای ضرورت پرداخت بهره در سیاستگذاری پولی ذکر می شود. اول آن که نرخ بهره پرداختی بر روی اوراق قرضه بانک مرکزی که برای سیاست گذاری پولی منتشر می شود در قبال همکاری افراد با بانک مرکزی پرداخت می گردد. در واقع از نگاه کلان، خریداران اوراق بهادار به بانک مرکزی قرض نمی دهند بلکه در راستای تحقق سیاست گذاری بانک مرکزی نوعی از سند مطالبه خود از این بانک یعنی پول نقد را به نوعی دیگر یعنی اوراق تبدیل می کند. از آن جا که یکی از این سند ها ابزار مبادله نیز می باشد، افرادی که این سند را به سند دیگری (که ابزار مبادله نیست) تبدیل می کنند مستحق دریافت پاداش هستند که همان نرخ بهره اوراق (نرخ بهره سیاستی بانک مرکزی) است. در این دیدگاه دلیل این استحقاق همکاری خریداران اوراق با بانک مرکزی در بهبود وضعیت اقتصادی کشور است به این خاطر که وقتی یک فرد در راستای سیاست های بانک مرکزی پول خود را به اوراق بهادار تبدیل می کند، به دلیل آن که امکان خرید کالا و خدمات از طریق اوراق وجود ندارد، پس دارایی خود را به یک شکل کم ارزش تر تبدیل کرده است. در واقع می توان این گونه برداشت کرد که در این نگرش خرید اوراق از سوی مردم یک نوع از خود گذشتگی برای منفعت اقتصادی کشور تلقی می شود! بنابراین خریداران این اوراق باید برای این همکاری مورد تشویق قرار گیرند.

و دومین دلیل آن که، این دسته از اقتصاددانان نرخ بهره سیاست گذاری بانک مرکزی را متغیری ضروری برای مدیریت حجم پول در اقتصاد دانسته اند و تلاش کرده اند آن را خارج از شمول حرمت ربا در روابط تجاری مطرح نمایند. نرخ بهره سیاستی بانک مرکزی که نرخ مرجع مراودات روزانه این بانک با سایر بانک ها است علامت سیاست گذار پولی به فعالان اقتصادی در مورد شرایط اقتصاد و هماهنگی اقتصادی از طریق مدیریت آن به دلیل نظرات است. منع بانک مرکزی از برآورد و اعلام این نرخ به بانک ها به دلیل حرمت ربا فعالان اقتصاد را از درک میزان کم یابی پول محروم کرده و به ناهماهنگی آنان می انجامد. طبق نظر این گروه، هیچ یک از این دو کارکرد جانشین ندارند. نرخ سود بانکی که یک متغیر سطح خرد است نمی تواند جانشین نرخ بهره متغیر سطح کلان شود و حذف نرخ بهره از جعبه ابزار بانک مرکزی عملا به خلع سلاح این نهاد در برابر تورم می انجامد.

رخ سود کوتاه مدت نتواند کارکرد های نرخ بهره را داشته باشد وجود نداشته و نرخ سود جایگزین کامل نرخ بهره در چارچوب اسلامی است. بنابر این نمی توان حذف ربا را معادل عدم امکان استفاده از دانش اقتصاد کلان یا اقتصاد پولی دانست.

**اختصاص ربا به اشخاص حقیقی و حلیت ربا بین اشخاص حقوقی**

برخی از محققین تلاش نموده اند مشکل بهره بانکی را از تغییر تفاوت بین شخصیت های حقیقی و حقوقی حل کنند. ثمره این نگاه آن است که ربا تنها در بین افراد و شخصیت های حقیقی وجود دارد و در روابط اشخاص حقیقی و حقوقی یا در روابط اشخاص حقیقی با یکدیگر ربا قابل تصور نیست. از این رو می توان این طور نتیجه گرفت که بانک ها، موسسات مالی و دولت که شخصیت های حقوقی می باشند نمی توانند مورد خطاب شرع قرار گیرند. این در حالی است که بررسی منابع فقهی نشان می دهد که اکثر فقهای شیعه شخصیت حقوقی را مشابه شخصیت حقیقی مشمول احکامی چون مالکیت می داند. علاوه بر فقه اسلامی در حقوق موضوعه ایران نیز شخصیت حقوقی به طور کامل پذیرفته شده و در شمول احکام و وظایف مشابه شخصیت های حقیقی اعلام گردیده است.

### ربا به عنوان درآمد ثابت و بهره به عنوان درآمد متغیر

برخی محققان مدعی تفاوت ماهوی بین ربا و بهره هستند. این گروه با سه مقدمه به نتیجه مورد نظر خود دست می یابند. اول آن که ربا ی تحریم شده در اسلام عبارت است از بازده واقعی، ثابت و از پیش تعیین شده. در حالی که بهره، بازده متغیر و غیر قابل تعیین است. دوم آن که بازده واقعی (یعنی ثابت و از پیش تعیین شده) تنها در اقتصاد هایی اتفاق می افتد که برای مدت زمان طولانی سطح عمومی قیمت ها ثابت بماند. هم افراد ریسک گریز و همچنین برای اقدامات خیرخواهانه، قراردادهایی را مجاز نموده و بر اساس اصل صحت قرارداد های عقلانی، زمینه را برای نوآوری در عرصه قراردادها باز گذاشته بنابراین اساسا نیازی به توجیه ربا جهت هموار ساختن امکان استفاده از بانکداری نوین وجود ندارد.

در نهایت این نتیجه حاصل می شود که تنها در اقتصاد های معیشتی و سنتی قیمت های نسبی برای مدت زمانی طولانی ثابت می ماند اما در اقتصاد های جدید سطح عمومی قیمت ها مدام در حال تغییر است. بنابر این ربا مختص به اقتصاد های سنتی بوده و در اقتصاد های جدید وجود ندارد. آنچه در اقتصاد های جدید وجود دارد بهره است که بازده متغیر، غیر قابل پیش بینی است. پس بین ربا و بهره تفاوت ماهوی وجود دارد.

در این خصوص باید گفت که ظاهرا صاحبان این دیدگاه تعریف دقیقی از ربا نداشته اند چرا که از دیدگاه آیات و روایات و در آرا اجماع فقهای اسلام در تعریف ربا قید ثابت بودن وجود نداشته و گرفتن هر زیادی در قرارداد قرض ربا است. چه آن زیاد ثابت باشد و چه متغیر. ضمن آن که مطالعه تاریخ صدر اسلام نشان می دهد اقتصاد زمان صدر اسلام بدون تغییر در قیمت های نسبی یا با تورم صفر نبوده است.

طبق آنچه در این چهار دیدگاه مشخص بود اکثر دیدگاه ها تلاش کرده اند تا حوزه مفهومی حرمت ربا محدود شود. به نحوی که بهره بانکی توجیه گردد. هرچند در سوی دیگر این ماجرا گروه هایی هستند که مفهوم حرمت ربا را آنقدر گسترده کرده که عملا امکان استفاده از بانکداری نوین غیر عملی می گردد. اما باید توجه داشت که ویژگی اصلی شریعت اسلام در مقوله معاملات آن است که قرآن و سنت، در کنار تحریم ربا، انواع معاملات مورد نیاز اقتصادی را با اهداف و انگیزه های متفاوت مجاز می شمارند. هم برای افراد ریسک پذیر و هم افراد ریسک گریز و همچنین برای اقدامات خیرخواهانه، قراردادهایی را مجاز نموده و بر اساس اصل صحت قرارداد های عقلانی، زمینه را برای نوآوری در عرصه قراردادها باز گذاشته بنابراین اساسا نیازی به توجیه ربا جهت هموار ساختن امکان استفاده از بانکداری نوین وجود ندارد.



# اقتصاد مقاومتی و نظام بانکداری اسلامی

به قلم دانشور خدابنده لو دبیر واحد سیاسی دفتر تحکیم وحدت



براساس نظر کارشناسان بانکی، افزایش نرخ سود بانکی در جذب نقدینگی مؤثر است. اما به نفع تولید نیست افزایش نرخ سود بانکی در کوتاه مدت در جذب نقدینگی مؤثر است اما به نفع اقتصاد و تولید کشور نمی باشد. افزایش نرخ سود از دوجنبه قابل بررسی است؛ یکی اینکه هر چه نرخ سود بانکی بالاتر برود به نفع تولید نخواهد بود و اگر بخواهیم از تولید حمایت بشود می بایست نرخ سود بانکی را کاهش داد، اما سوی دیگر این کار در جذب نقدینگی مؤثر است. بنابراین وزیر اقتصاد و رئیس بانک مرکزی می توانند برای ایفای نقش فعال بانک ها و جلوگیری از کارکرد منفی آنها در اقتصاد مقاومتی اقدامات لازم به عمل آورند. تا بساط بانک های سوداگر، زجرآور و ضد سیاست های اقتصادی مقاومتی جمع شود.

ورود مردم در عرصه اقتصادی از طریق بانکها نباید درگیر دلالی و واسطه‌گری در بازارهای طلا و سکه و یا خرید و فروش مسکن شود بلکه باید با اصلاح سیستم بانکی این نقدینگی را در مسیرهای صحیح و در جهت افزایش تولید به کار رود. بر همین اساس بانک‌های دولتی و خصوصی باید موظف شوند که نقدینگی را به سمت تولید حرکت دهند و در صورت تحقق نیافتن چنین مسئله‌ای زمان را از دست داده و اقتصاد مقاومتی هم تحقق پیدا نمی کند. فلذا باید در کشور شرایطی حاکم شود که تولید کننده سود معقولی را از فعالیت اقتصادی برای خود ببرد. بایستی سیاست‌هایی را که دولت به مرحله اجرا می رساند در راستای کمک به تولیدکنندگان و افزایش تولید و بهبود وضعیت اقتصادی باشد. لذا باید هزینه‌های مالی بنگاه‌های تولیدی را کاهش بدهیم تا شاهد رونق تولید بود و البته

براساس سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، افزایش توان داخلی کشور با اتکاء به نیروها و عوامل داخلی محور اصلی بحث اقتصاد مقاومتی در ایران می باشد. باید به گونه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی عمل شود که نقش مولد را در این عرصه مهیا کند و وابستگی خود را نسبت به تغییرات جهانی و تاثیر آن‌ها بر اقتصاد کشور کاهش داده شود. اکنون استفاده از کالاهای و تولیدات ملی و حمایت از تولیدکننده داخلی یک وظیفه همگانی است و زمانی می توانیم اقتصاد مقاومتی را محقق کنیم که تولیدات داخلی و ملی را افزایش داده و نیاز به واردات تولیدات خارجی نداشته باشیم. هراقدامی برای تقویت تولید و تشویق تولیدکننده داخلی داشته باشیم، اگرچه هزینه ای بسیار سنگین و گزاف داشته باشد و از حد تعادل خارج شود، در شرایط فعلی به نفع کشور بوده و در بلندمدت سودآور است.

سوال مطرح شده این است که «نقش نظام بانکی در اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی چیست؟

ابتدا وضعیت موجود بانک ها در اقتصاد مقاومتی را بررسی می کنیم؛

براساس فرمایشات مقام معظم رهبری بانک ها می‌توانند هم نقش مثبت و هم نقش منفی در اقتصاد داشته باشند. درباره عملکرد بانک ها به دلیل در تنگنا قرار دادن کارآفرینان و صنعتگران کشور باید گفت که نظام بانکی سوداگرانه نه تنها به رشد اقتصادی کمک نمی کند بلکه باعث پسرفت اقتصاد کشور می شود. این نظام بانکی سوداگرانه بنگاهی ضد تولید و همچنین متخلف در اجرای بند ۳۴ قانون پولی و بانکی بدون شک هیچ گره و مشکلی را کارآفرینان و کارگران مرتفع نخواهد کرد.

این اقدامات نیازمند فعالیت‌های اساسی و گسترده از سوی مسئولان کشوری است که جنبه جراحی دارد تا بتوانیم در مدت زمانی مشخص و معین در آنچه که در بهبود اوضاع اقتصادی کشور کمک می‌کند، گام برداریم.

نکته بعدی ضرورت طراحی ساز و کار هدایت نقدینگی به سمت تولید است؛

اصل هماهنگ سازی نرخ سود سپرده های بانکی قابل قبول است. اما باید ساز و کاری فراهم شود که هدایت منابع و نقدینگی به سمت تولید و صنعت سوق پیدا کند. باید همزمان با هماهنگ سازی نرخ سود سپرده ها در بانکها، نرخ بهره وام هایی که به بخش تولید داده می شود نیز کاهش یابد تا سرمایه ها به این سمت هدایت بشود. همچنین لازم است سازو کار هدایت سرمایه و نقدینگی به سمت تولید مشخص شود تا نقدینگی موجود در کشور به جای تولید به سمت بازارهای کاذب نرود چرا که در این صورت به اهداف پیش بینی شده نمی رسیم.

باید علاوه بر کاهش نرخ سود سپرده های بانکی از طریق ادارت کل صنایع و معادن استان ها ساز و کار ایجاد جاذبه سرمایه گذاری در صنعت و تولید ایجاد شده و سرمایه و اصل پول سرمایه گذار تضمین شود و از او حمایت گردد. اینگونه به نظر می رسد که این موارد پیش بینی نشده است. این نگرانی وجود دارد که منابع و نقدینگی نه به سمت صنعت و تولید بلکه به سمت بازارهایی همچون سکه، ارز و دلالتی های کاذب برود.

در کنار هماهنگ سازی نرخ سود سپرده ها در بانک ها باید نرخ بهره وام هایی که به بخش تولید داده می شود نیز کاهش نیابد که در غیر این صورت رانتی به نفع بانک ایجاد می شود و بنابراین باید همه ابعاد در کنار هم دیده شود. را که دولت به مرحله اجرا می رساند در راستای کمک به تولیدکنندگان و افزایش تولید و بهبود وضعیت اقتصادی باشد. لذا باید هزینه های مالی بنگاه های تولیدی را کاهش بدهیم تا شاهد رونق تولید بود و البته این اقدامات نیازمند فعالیت های اساسی و گسترده از سوی مسئولان کشوری است که جنبه جراحی دارد تا بتوانیم در مدت زمانی مشخص و معین در آنچه که در بهبود اوضاع اقتصادی کشور کمک می‌کند، گام برداریم.

نکته بعدی ضرورت طراحی ساز و کار هدایت نقدینگی به سمت تولید است؛

اصل هماهنگ سازی نرخ سود سپرده های بانکی قابل قبول است. اما باید ساز و کاری فراهم شود که هدایت منابع و نقدینگی به سمت تولید و صنعت سوق پیدا کند. باید همزمان با هماهنگ سازی نرخ سود سپرده ها در بانکها، نرخ بهره وام هایی که به بخش تولید داده می شود نیز کاهش یابد تا سرمایه ها به این سمت هدایت بشود. همچنین لازم است سازو کار هدایت سرمایه و نقدینگی به سمت تولید مشخص شود تا نقدینگی موجود در کشور به

جای تولید به سمت بازارهای کاذب نرود چرا که در این صورت به اهداف پیش بینی شده نمی رسیم. باید علاوه بر کاهش نرخ سود سپرده های بانکی از طریق ادارت کل صنایع و معادن استان ها ساز و کار ایجاد جاذبه سرمایه گذاری در صنعت و تولید ایجاد شده و سرمایه و اصل پول سرمایه گذار تضمین شود و از او حمایت گردد. اینگونه به نظر می رسد که این موارد پیش بینی نشده است. این نگرانی وجود دارد که منابع و نقدینگی نه به سمت صنعت و تولید بلکه به سمت بازارهایی همچون سکه، ارز و دلالتی های کاذب برود.

در کنار هماهنگ سازی نرخ سود سپرده ها در بانک ها باید نرخ بهره وام هایی که به بخش تولید داده می شود نیز کاهش نیابد که در غیر این صورت رانتی به نفع بانک ایجاد می شود و بنابراین باید همه ابعاد در کنار هم دیده شود.

ایرادی که در تصمیم گیری های گذشته وجود داشت این بود که بخشنامه ها و دستورها یک جانبه بود و همه جوانب و ابعاد مساله باهم دیده نمی شد. مسئله بعدی نقش بانک ها در زمینه انتقال نقدینگی به بخش تولید می باشد.

بانک های دولتی و خصوصی باید به سمتی هدایت شوند که نقدینگی را به سمت تولید سوق داده و در صورت تحقق نیافتن چنین مسئله ای زمان را از دست داده و اقتصاد مقاومتی هم محقق نمی شود. بانک ها با اصلاح سیستم بانکی این نقدینگی را در مسیرهای درست و در جهت افزایش تولید به کار خواهند گرفت. بر همین اساس اصلاح نظام بانکی باید در الویت کاری دولت برای اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی هدایت شود. از سوی دیگر قوای مقننه و مجریه باید تلاش کنند تا با ارائه لایحه و تصویب قوانین لازم سرمایه ها و نقدینگی را به سمت تولید هدایت کنند و در ادامه راه باید اصلاح نظام بانکی را در اولویت قرار دهند. بدون شک نقش دولت و مجلس در اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی بسیار تعیین کننده و حائز اهمیت است

در مجموع برای تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی و شعار سال لازم است شرایطی در کشور ایجاد شود که تولید کننده احساس کند که می تواند سود معقولی را از فعالیت اقتصادی برای خود ببرد، لذا بایستی سیاست هایی را که دولت اجرا می کند در راستای کمک به تولیدکنندگان و افزایش تولید و بهبود وضعیت اقتصادی باشد. دولت بایستی هزینه های مالی بنگاه های تولیدی را کاهش دهد تا شاهد رونق و جهش تولید باشیم و البته این اقدامات نیازمند فعالیت های اساسی و گسترده از سوی مسئولان کشوری است که جنبه جراحی دارد تا بتوانیم در مدت زمانی مشخص در آنچه که در بهبود اوضاع اقتصادی ملت و کشور کمک می‌کند، گام برداریم.

# قوانین، بخش نامه ها و عقود بانکداری اسلامی

به قلم حمید رضا مجتبوی دبیر انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر

انجام این مغالطه که رشد صنایع و علم و فناوری نیازمند سرمایه داران بزرگ است، به افزایش ثروت ایشان و اختلاف طبقاتی بوسیله دادن وام های ربوی و نقض تمام قوانین اسلام دست میزنند درحالی که این رشد، نیازمند سرمایه بزرگ است و نه سرمایه داران بزرگ و میتواند این کار بوسیله تعاونی های مختلف شامل تعاونی تولید و مصرف، تشکیل شرکت های سهامی عام (بی)

نام) یا حتی دولتی نگهداشتن صنایع کلان (با ایجاد نظارت مردمی و شکل دهی دولت صالح) انجام شود و ضرورتی در مکیده شدن خون نیازمندان بوسیله سرمایه داران رباخوار برای رشد اقتصاد نیست. بنابراین، اگر بخواهیم زیربنا (که «صندوق های قرض الحسنه» و شالوده اقتصاد اسلامی را بررسی کنیم، به ضرورت جایگزینی مفهومی به نام میرسیم؛ اما بصورت روبنایی و موقت، پذیرفتن اشکالی «بانکداری نوین» توضیح آن در ادامه داده میشود) بجای از عقود اسلامی در بانکداری، خالی از اشکال است.

## برخی قواعد اسلامی مرتبط با مبادلات/معاهدات اقتصادی

در قرآن کریم و روایات، قوانین و قواعد مشخصی (سلبی و ایجابی) برای انجام مبادلات و معاهدات (شامل معاهدات اقتصادی) آمده است که توجه به آنها در این مطلب ضروری به نظر میرسد. از جمله این قواعد شرعی: قاعده نفی قواعد خمس، سبیل، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده اتلاف، قاعده استیمان، قاعده اکل مال بالباطل، قاعده نفی ربا و زکات و انفاق است که در ادامه به توضیح هرکدام بطور مختصر خواهیم پرداخت:

۱. نفی سبیل: در زمینه پیمان بستن با کفار و عقد معاملات با ایشان، موارد متعددی هم در قرآن (آیات مدنی) و هم در سیره رسول الله وجود دارد که از معروف ترین آنها، قاعده نفی سبیل است. خداوند متعال میفرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره مبارکه نسا، آیه ۱۴۱) و بنابر این آیه، هرعملی که منجر شود کفار راهی برای سلطه و ولایت بر مؤمنان پیدا کنند حرام است و به مقتضای آن، هر عقد و پیمان و هر معامله، ایقاع و قراردادی که موجب علو و برتری کفار بر مؤمنان شود اعتبار حقوقی ندارد.

۲. قاعده نفی عسر و حرج: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (سوره مبارکه حج، آیه ۷۸). بنابر این قاعده که هم یک قاعده فقهی است و هم قاعده ای طبیعی و عقلانی، هرگاه موافقت و اجرای حکمی برای مکلف، سخت و با

اگرچه تاسیس اولین بانک ها بعنوان مراکزی برای نگهداری پول و تسهیل مبادلات به مدتها قبل در زمان سال دارد، مفهوم بانکداری اسلامی و تلاش برای اسلامی کردن سیستم ۲۰۰۰ هخامنشیان برگشته و قدمتی بالغ بر سال تجاوز نمیکند. بانک در این مدت تغییرات زیادی کرده ۸۰ بانکداری، مفهومی بسیار جدید بوده و عمر آن از و اشکال مختلف و گوناگونی را تجربه کرد، تاجایی که امروزه نگهداری پول بعنوان یک وظیفه دست چنم در خرید و فروش ارز، نقل، تعریف نوین بانکداری محسوب شده و وظایف دیگری چون تامین اعتبارات، عملیات مالی و انتقال وجوه، وصول مطالبات اسنادی و سود سهام مشتریان، پرداخت بدهی مشتریان، قبول امانات، نگهداری سهام و اوراق بهادار و اشیای قیمتی مشتریان، انجام وظیفه قیومیت و ... را برعهده دارد که آنرا به یکی از پیچیده ترین و درعین حال، مهمترین نظامات اقتصادی-اجتماعی موجود بدل میکند. امروزه تمام کشورهای جهان اشکالی از بانکداری را مورد استفاده قرار میدهند و وظایف بانکها بطور مداوم درحال گسترش و تغییر است که ضرورت «پرداختن به مقوله بانکداری اسلامی و تفقه در آن را افزایش میدهد. در این مقاله که با برداشتی آزاد از کتاب اثر شهید آیت الله دکتر سید محمدحسین بهشتی و ترکیب آن با تفاسیر آیات و «بانکداری و قوانین مالی اسلام روایات قرآن کریم نوشته شده است، به بررسی قوانین و عقود بانکداری اسلامی خواهیم پرداخت.

## بانک یا صندوق قرض الحسنه؟

پیش از ورود به بحث قواعد اسلام در حیطه خرید و فروش و وام (بیعی و دینی) و تطبیق آن با نظام بانکداری برای بررسی عقود قابل اجرا در بانکداری اسلامی، لازم است ابتدا به این سوال پاسخ دهیم که آیا اساسا اسلام بانکداری (به مفهوم نوین آن) را بعنوان یک مدل زیربنایی سالم اقتصادی به رسمیت میشناسد یا خیر؟ با بررسی تاریخچه شکل گیری بانکداری نوین و تغییر کارکرد آن از مکانی برای نگهداری پول به ابزاری برای رباخواران و ایجاد سلطه اقتصادی طبقه ثروتمند بر اقشار تهی دست، به این نتیجه میرسیم که اساسا بانکداری های رایج و گردش مالی های آن، ربوی میباشد. (Transactions) نوین نمیتواند اسلامی شده و عمده تراکنش ها نکته ای که وجود دارد این است که بانک ها با ترسیم غلط این نکته و

مشقت زیاد همراه باشد، آن حکم مرتفع شده و امتثالش لازم نیست. این قاعده از قواعد اصلی فقه است که بسیار زیاد مورد استناد قرار میگیرد.

۳. قاعده اتلاف/استیمان : قاعده اتلاف و استیمان دو قاعده فقهی اند که باید توأمان معنا شده و بکار گرفته شوند. بموجب این قواعد، هر شخصی که مال دیگری را که به امانت و در زمینه خاصی به امانت دارد، باید آن مال را صرفاً در همان زمینه متعهد شده بکار بگیرد (استیمان) و اگر چنین نکند و مال دیگری را تلف کند، ضامن است و باید آنرا برگرداند. (اتلاف) این قاعده عمدتاً در عهودی مثل مضاربه خاص، مزارعه، مساقات و دیگر عقود «معاهده ای» استفاده میگردد.

۴. قاعده اکل مال بالباطل: اکل مال به باطل، تصرف در مال به دست آمده از راه نامشروع است. براساس این قاعده، تصرف در مال غیر که شخص مالک آن نیست (بیع فضولی) و هرگونه مالی که از روش هایی مثل قمار، ربا، رشوه یا غصب بدست بیاید حرام است. از جمله مواردی که میتوان از این قاعده در نظام بانکی استخراج کرد، حرمت بهره تعلق گرفته به سرمایه است زیرا شخصی که بهره به او تعلق میگیرد، عملاً مالک آن پول نیست و آن پول مجهول المالک است و باید مطابق دستور حاکم شرع، بصورت صدقه خرج شود. (و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتأکلو فریقاً من أموال الناس بالاثم و انتم تعلمون - سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۸)

۵. قاعده نفی ربا: اصلترین قاعده که بسیاری از فعالیت های بانکداری کنونی را محدود میکند، قاعده نفی رباست. قرآن کریم، ربا خواری را بزرگترین گناهان و اعلان جنگ با خدا و رسولش میداند. مطابق آیه نفی ربا (سوره مبارکه بقره، آیات ۲۷۵ تا ۲۸۰) به ربای دینی و بیع پرداخته است و میان این دو تفاوت قائل شده است.

۶. خمس / زکات: خمس (پرداخت یک پنجم درآمدی که از راه زراعت، صنعت، تجارت، پژوهش و یا از راه های کارگری و کارمندی به دست می آید) و زکات (که بر ۹ چیز شامل طلا و نقره تعلق میگیرد و به حکم فقه شیعی، پول راکد که یکسال بماند شامل زکات میشود) دو راه مهم برای برقراری عدالت اقتصادی در اجتماع مسلمین و تعدیل اختلافات طبقاتی است. بعنوان مثال، زکاتی که بر پول های راکد (۵،۲ درصد) تعلق میگیرد بعنوان مکمل قاعده نفی ربا میتواند موجب رونق بخشیدن به صندوق های قرض الحسنه شود به این صورت که مردم پول های خود را وارد صندوق های قرض الحسنه یا تعاونی و ... که از اشکال صحیح به جریان انداختن کسب و کار است میکنند و یا این درصد از پول ایشان بعنوان ذکات جزو اموال عمومی جامعه میشود و توسط حکومت در جریان بخشیدن به کسب و کارها یا حل مشکلات مردم تاثیر میگذارد.

۷. انفاق: بعنوان آخرین دستور اسلامی در این مقاله، انفاق را مورد توجه قرار میدهیم. انفاق به معنی بخشش در راه خدا در شرایطی است که ممکن است انسان به آن (مال، شی یا

هرچیز دیگر) نیازمند هم نباشد و ایثار به معنی بخشیدن در سختی و گرفتاری است که هر دو مورد تاکید خدای متعال بوده و رسول اکرم نیز موكداً به آن سفارش میکرده است (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ - سوره مبارکه آل عمران، آیه ۹۲). بر اساس این دستور، خداوند متعال توصیه کرده است که اگر بدهکاری، قدرت پرداخت بدهی اش را نداشته باشد به او تا هنگام توانایی مهلت داده شود و در صورتی که برآستی این امکان برایش فراهم نمیشود، بخاطر خدا این بدهی او توسط طلبکار بخشیده شود.

## بانکداری اسلامی، عقود قابل اجرا

بانکداری در حکومت اسلامی با ۳ وظیفه اصلی: ۱- «حفظ و نگهداری پول و تسهیل مبادلات»، ۲- «اعطای تسهیلات خیر و خدا پسندانه برای راه اندازی کسب و کارها و کمک به صنایع» و ۳- «کنترل و تنظیم معیشت با کمک به مردم در قالب صندوق های قرض الحسنه» مفهوم می یابد. از این رو، عمده فعالیت بانک از منظر اسلام، باید یک فعالیت غیرانتفاعی باشد و بانک ها (خلاف آنچه درحال حاضر رخ میدهد) نباید اصل کارشان را بر کارهای انتفاعی متمرکز کنند. با این حال، فعالیت های عهود قابل اجرا توسط بانک شامل دو دسته کلی زیر است:

۱. غیرانتفاعی: کارهایی که به قصد راه اندازی امور مردم انجام شده و درآمد آن برای بانکها، محدود به گرفتن کارمزد برای تامین هزینه های اجرایی و حقوق کارمندان و ... است. اخذ کارمزد به این علت که به یک کار مشخص (نظام توزیع و انجام مبادلات بانکی) تعلق میگیرد، از نظر اسلامی صحیح است و حکم ربا را ندارد. دو دسته کلی عقود غیرانتفاعی بانکداری اسلامی، عقد قرض (قرض الحسنه) و عقد ودیعه است:

۱.۱ قرض الحسنه: بانک ها میتوانند برای تامین مالی کسب و کارها، رفع مشکلات معیشتی مردم و انجام پروژه های علمی و فناوری اقدام به اعطای تسهیلات کوتاه مدت و بلندمدت در قالب وام های بدون بهره (قرض الحسنه) کنند. اینگونه وام ها صرفاً کارمزدی (حداکثر ۴ درصد) برای تامین مخارج جاری بانک و حقوق کارکنان را به همراه دارد و رونق بخشیدن به آن بوسیله تعطیلی رباخواری در جامعه و اجرای قانون زکات بر پول راکد امکان پذیر است.

۲.۱ ودیعه: ودیعه به معنی امانت گذاشتن پول نزد بانک برای در امان نگهداشتن آن است. در اینگونه از عقود، بانک حق دخل و تصرف در مال را نداشته و با گرفتن کارمزدی از پول یا اموال قیمتی و امثالهم نگهداری میکند و به صدور دسته چک و سایر اوراق برای خرج کردن این پول میپردازد.

۲. انتفاعی: فعالیت های انتفاعی خاصی توسط بانک قابل انجام است که البته همانطور که پیشتر گفته شد، عمده آنها توصیه نمیشود و گسترش تمرکز بانک بر انجام آنها میتواند بانک را از حالت صحیح خود خارج کند. این فعالیت ها شامل دو دسته کلی «عقود مبادله ای» و «عقود معاهده ای» میشود:

۱.۱.۲ جعاله: اوراق جعاله یکی از انواع صکوک میباشد. جعاله یعنی پاداشی که برای عامل عمل قرار می دهند و معنی آن در بیان فقها، به این صورت است که جعاله عقدی (قراردادی) میباشد که بر اساس آن، جاعل (کارگزار) متعهد خواهد شد تا در برابر عملی که برای وی انجام می شود، پاداش معینی را به عامل پرداخت کند. بانکها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی، با تنظیم قرارداد و به عنوان عامل یا عند الاقتضاء به عنوان جاعل مبادرت به جعاله نمایند.

۱.۲.۲ بیع، فروش اقساطی و فروش سلف: اوراق سلف برای تامین مالی بنگاه های اقتصادی و جبران کسری بودجه استفاده میشوند و در ساختار صکوک سلف (سلم)، یک مؤسسه با مؤسسه دیگری به عنوان نماینده از طرف خریداران اوراق سلف وارد قرارداد خواهد شد و هدف از این قرارداد، این میباشد که بین کالاها و خریداران واسطه شود و تحت عنوان یک رابط جهت آسان نمودن فعالیت اقدام نماید. در واقع با انتشار اوراق سلف، شرکت ها می توانند نیاز نقدینگی خود را رفع نمایند و سرمایه گذاران هم با خرید اوراق سلف این فرصت را دارند که کالای مورد نیاز خود را در تاریخ سررسید به قیمت مناسبی تهیه نمایند.

۱.۲.۳ اجاره (و اجاره به شرط تملیک): اجاره فروش یک حق عمری و رقبی معین در مقابل دریافت پاداشی معین است. عموماً برای اجیر کردن و به خدمت گرفتن مورد استفاده قرار می گیرد، اجاره همچنین برای در اختیار گرفتن یک زمین در مقابل پرداخت اجاره بهای ثابت به صورت نقدی به کار گرفته می شود. همچنین براساس عقد اجاره به شرط تملیک (که عمدتاً جهت واگذاری دارایی های بانک مثل منزل و اتوموبیل انجام میشود)، مورد اجاره در پایان دوره به تملک مستاجر در می آید و مبالغ پرداختی اقساط به جای اجاره و همچنین اصل سرمایه محسوب شده و در پایان، مالکیت اجاره دهنده (بانک) سلب می شود.

۲.۲ عقود معاهده ای:

۱.۲.۲ مضاربه: مضاربه در اصل به معنی شراکت تولید (سرمایه) و توزیع است. به این معنا که بعنوان مثال، شخصی کالایی تولید کرده (یا سرمایه بعنوان کالای انباشته را در اختیار دارد) و شخص دیگری به توزیع این کالا (یا سرمایه) پرداخته و سود آن بصورت توافق از پیش انجام شده، بین طرفین تقسیم میشود. مضاربه از برخی جهات با اجاره (به معنای اجیر کردن شخصی برای انجام کار در ازای پرداخت مشخص) اشتراکاتی دارد اما در مضاربه، طرفین درصد میبرند و در صورت زیان نیز، زیان متوجه صاحب سرمایه (رب المال) است و مضارب (وام گیرنده) زبانی نمیپردازد. مضاربه میتواند به ۲ صورت کلی مضاربه عام (بدون تعیین حوزه هزینه کرد) و مضاربه خاص انجام شود.

۲.۲.۲ مزارعه: مزارعه به معنی واگذاری زمینی که کار روی آن انجام شده (آماده کاشت شده یا ساخت و ساز در آن صورت گرفته است) به شخص دیگر برای تولید محصول و تقسیم کردن محصول است و بنابراین، حالت خاصی از اجاره

محسوب میشود. هم اکنون، مزارعه بواسطه انتشار اوراق مزارعه انجام میشود.

۲.۲.۳ مساقات: مساقات در اصل این است که انسان یک مزرعه یا باغی را درست می کند، نهالی می کارد، ولی نمی تواند مرتب آن را آبیاری کند. مثلاً به این دلیل که منزلش در آنجا نیست. به کسی نیاز دارد که مرتباً آنجا را آبیاری کند. شخصی آبیاری و رسیدگی به باغ را برعهده گرفته و (برخلاف اجاره که پول مشخصی دریافت میکند،) در محصول تولید شده شریک میشود. اوراق مساقات که توسط بانک ها و سایر موسسات مالی واگذار میشوند، به این صورت است که بانک سرمایه متقاضیان این اوراق را جمع آوری کرده و از آنها برای خرید باغات استفاده میکند. سپس عقد مساقات بین بانک و باغبان انجام شده و سودی که حاصل میشود با مشتریان بانک (صاحبان اوراق) تقسیم میشود.

۲.۲.۴ مشارکت (مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی): مشارکت مدنی، قراردادی بازرگانی است که به موجب آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی از جمله بانک، سرمایه نقدی یا جنسی خود را به شکل مشاع و به منظور ایجاد سود در هم می آمیزند و طی مشارکت حقوقی، بانک قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی جدید را تأمین یا قسمتی از سهام شرکت های سهامی موجود را خریداری می کند و از این طریق در سود آن ها شریک می شود. بانک ها بوسیله اوراق مشارکت، مردم را در دارایی حقیقی متعلق به دولت، شرکت های تعاونی یا خصوصی شریک میکنند و در سر رسید این اوراق، در سود یا زیان این اوراق بهادار شریک میشوند و بنابراین، برخلاف اوراق قرضه که ربوی میباشد، کاملاً اسلامی میباشد.

### بنگاه داری بانک اسلامی!

آخرین مطلب در این مقاله، پرداختن به مساله ای است که این روزها به آفت بزرگی برای بانک ها (و من جمله آنها، بانکهای اصطلاحاً اسلامی) تبدیل شده است: بنگاهداری بانک ها. همانطور که پیشتر گفته شد، بانک های اسلامی باید بر روی فعالیت های غیرانتفاعی و تسهیل کسب و کار تمرکز کنند اما به سبب طمع بانک ها و روی آوردن ایشان به فعالیت های انتفاعی، ربا و تعدی به حقوق مستمندان نیز بعنوان یکی از پرسود ترین فعالیت های قابل انجام در بانک های خارجی وارد بانک های کشور های اسلامی شده و این بانکها پس از مدتی برای اینکه فعالیتشان دچار مشکل نشود به ۲ کار عمده «خلق پول» و «بنگاهداری» روی آوردند. خلق پول و دلیل حرمت آن که اقتصاد را در نهایت به گرداب فلج کننده ای میکشد، نیازمند مقاله ای جداگانه است اما بنگاهداری بانکها به جهت تضمین سود بیشتر و وارد رقابت شدن این بخش عمدتاً دولتی با کسب و کارهای خصوصی و مردمی، امکان فعالیت سازنده و تحقق مساله تولید را از این کسب و کارها گرفته و تومان با مانده حساب ثروتمندان، رقم بیکاری مردم را افزایش میدهد. امید است، موسسات مالی اسلامی با دست کشیدن از این فعالیت ها و بازگردانی تمرکز بر بخش غیرانتفاعی به همراه قطع کامل ربا، بتوانند در مسیر سالم سازی اقتصاد مردمی گام بردارند.

# بانکداری بدون ربا

به قلم سجاد مقید  
دبیر انجمن اسلامی دانشگاه تبریز

دانشمندان اجتماعی غرب هم صرفاً دست راستی‌های وفادار به ارزش‌های لیبرالیسم را قبول دارند.

با این وجود، در میان صاحب‌نظران غربی وفادار به ارزش‌های لیبرالیسم هم طیفی از نظرات وجود دارد. طیفی از تندروهای به شدت فرد گرا و قائل به «اصالت حداکثر سود به هر قیمت» تا جامعه‌گرایی که مراقب هستند عدالت و خیر اجتماعی هم بر حقوق فردی غلبه نکند. می‌توان کشورهای اسکاندیناوی را یک انتهای این طیف در نظر گرفت و کشور آمریکا را به عنوان عرصه‌ی یک تازی غول‌های اقتصادی، انتهای دیگر این طیف فرض کرد.

در این میان، تکنوکرات‌های دانشگاهی و سیاسی در ایران الگویی ناقص از اقتصاد امریکایی را در دورترین نقطه از آموزه‌های اسلامی پذیرفته‌اند. نشانه‌های این الگو را می‌توان در مسیر خصوصی‌سازی‌ها و تاسیس بانک‌های خصوصی و شکل گرفتن تدریجی تمرکزهای قدرت اقتصادی در کشور مشاهده کرد. و نگران کننده‌تر و خطرناک‌تر از آن هم این است که دانشگاهیان و تصمیم‌گیران اقتصادی، به هیچ وجه حاضر به شنیدن نقد این نوع قرائت از علم اقتصاد نیستند و هر قرائت دیگری را غیر علمی می‌دانند.

## بانک رباخوار به عنوان موتورخانه‌ی سرمایه‌داری

فعالیت‌های بانک، به دو دسته تقسیم می‌شوند که هر کدام ماهیت جداگانه‌ای برای خود دارد:

۱. فراهم کردن امکاناتی از قبیل حواله، حساب جاری، چک، حساب پس‌انداز بدون بهره و مبادلات پولی و ارزی دیگر
۲. فعالیتهای اصلی بانک مانند دادن اعتبار یا وام تجارتي، صنعتی، کشاورزی، صنفی، خانه سازی، کارگشایی و ...

## چالش هویت جهانی علم اقتصاد

مشکل و معضل عمومی ما در علوم انسانی و اجتماعی و فلسفه‌ی علم و به خصوص علم موسوم به اقتصاد در ایران، تعصب و پافشاری اصحاب این علوم بر قطعی بودن مبانی ترجمه شده از علوم است که سال‌های گذشته از طریق ترجمه وارد شده‌اند؛ هرچند که این روزها حتی در زادگاه خودشان هم، چون گذشته خریداری ندارند.

ایده‌ی بانک و سازوکار تعریف شده‌ی آن بر خلاف ادعای اکثر اقتصاددانان، ایده‌ای برخاسته از جامعه‌ی جهانی و نتیجه‌ی بلا شک شرایط و مقتضیات اقتصاد جهان نیست. بلکه بانک امروزی، تنها برای سلطه‌ی سرمایه‌داری به وجود آمده و از همان بستر نیز متولد شده است.

آن چه که امروز در دانشکده‌های اقتصاد در ایران، تدریس می‌شود در انزوای از تاریخ و جغرافیا و ارزش‌های اجتماعی جامعه‌ی مسلمان ایران بنا شده است. علمی که مبانی آن عیناً از کتاب‌های غربی ترجمه شده و یا شرحی از شیفتگان تمدن غرب مدرن بر همان کتاب‌هاست.

ترفند همیشگی تکنوکرات‌ها به خصوص اقتصاددانان ایرانی، در مواجهه با نقدها و به چالش کشیدن اصول موضوعه‌ای که پذیرفته‌اند، استفاده از برچسب ادعاهای غیر علمی‌ست. تکنوکرات‌ها و اساتید اقتصاد در دانشگاه‌ها به طور پیش‌فرض پذیرفته‌اند که حق انحصاری تعیین اهداف و ارزش‌های جامعه، در دست دانشمند غربی‌ست. و بهینه‌ترین راهکارهای رسیدن به هدف را هم همان کسی می‌تواند بدهد که آنها را تعریف کرده. گویی دانشجوی اقتصاد، ابتدا شهادت به خدایی غرب می‌دهد و سپس اجازه‌ی تحصیل در دانشگاه را می‌گیرد!! البته در میان

آنچه که اینجا قصد پرداختن به آن را داریم، فعالیت‌های دسته‌ی دوم است که منبع اصلی تولید سرمایه برای بانک محسوب می‌شوند و فعالیت‌های دسته‌ی نخست معمولاً رایگان و بدون کارمزد انجام می‌گیرند؛ چراکه صرفاً به عنوان فعالیت جنبی بانک تعریف می‌شوند.

اگر از یک استاد یا دانشجوی اقتصاد بخواهید علم اقتصاد را تعریف کند، پاسخی در این مضمون خواهد داد «تخصیص بهینه منابع کمیاب»؛ و این اولین و بزرگترین دروغی است که اقتصاددان‌ها تحویل ما داده‌اند. در واقع تنها چیزی که اقتصاد سرمایه‌داری برایش محدودیت قائل است، محدودیت منابع مالی است و نه هیچ چیز دیگری. بنابراین دنبال هر شیوه‌ای برای افزایش این قدرت هستند؛ و خلق پول از طریق اعطای اعتبارات بانکی همان چاره‌ای است که یافته‌اند.

شهید سید محمدباقر صدر، اهداف بانک در نظام سرمایه‌داری را در امور زیر خلاصه کرده‌اند:

هدف اول: در به وجود آوردن سرمایه‌ای که با قدرت سرمایه‌داری، مالکیت سرمایه‌دار را فارغ از هرگونه عمل و کوششی گسترش دهد. این مالکیت از راه جمع‌آوری مبالغ کوچک فراهم آمده و از آنها سرمایه تشکیل شده است. سرمایه می‌تواند مولد باشد و برای صاحبان پول‌های کوچک، سود ثابتی به نام بهره داشته باشد.

هدف دوم: در به وجود آوردن مالکیت‌های خصوصی بزرگ تا جایی صاحبانش بتوانند زندگی اقتصادی را رهبری کرده، برای همه خط مشی معین کنند و به راهی که می‌خواهند بکشانند. زیرا فراهم آوردن مبالغ هنگفت از پول‌های پراکنده، همانگونه که از نظر تولیدی نیروی جدیدی برای سرمایه پدید می‌آورد، برای صاحبان بانکها که همه‌ی مبالغ در صندوق آنها ریخته می‌شود، قدرت بزرگی به دست می‌دهد. این قدرت باعث می‌شود سرمایه‌داری در دست آنها جهش بزرگی به خود داده، مالکیت‌های خصوصی بزرگ تشکیل شود.

هدف سوم: در مسلط کردن نظام سرمایه‌داری حریص به وسایلی که بتواند با هرگونه خطری که از ناحیه‌ی سودهای درخواستی‌اش به عنوان بهره‌ی وام‌ها مواجه است، خود را حفظ کند. زیرا بانک وقتی سپرده‌ها را از صاحبانش دریافت کرد و بهره‌ای برای آنها در حدی که صاحبان اموال را به سپردن مالشان قانع کرده باشد قرار داد، بلافاصله خود بانک مبالغ جمع شده را با بهره‌ای بیشتر وام می‌دهد و به این ترتیب برای سرمایه‌داری سودی ثابت، دور از کار و فارغ از هرگونه خطری تأمین می‌شود.

هدف چهارم: در رساندن نیروی کمکی لازم به تأسیسات تولیدی سرمایه‌داری؛ یعنی رساندن مال ضروری برای گسترش نیروی استثمار و کشاندن قدرت سرمایه‌داری به اوج خود است. زیرا صاحبان تأسیسات سرمایه‌داری با دائر کردن بانک، پشت گرمی محکمی به دست می‌آورند و از راه وام‌هایی که به آنها امداد می‌رساند، دائماً می‌توانند سود سرمایه‌داری خود را گسترش داده و روابط سرمایه‌داری را ریشه‌دارتر کنند و در زندگی اقتصادی مردم بیشتر فرو روند.<sup>۱</sup>

در توضیح هدف سومی که شهید صدر بیان می‌دارند، باید این گونه اضافه کنیم که در واقع، این اعتبارات بانکی روی یک تعهد نانوشته بنا شده‌اند. سپرده‌گذاران به طور ضمنی متعهد شده‌اند که همگی با هم همه‌ی سپرده‌های خود را از بانک خارج نکنند. یعنی در عین حالی که بانک متعهد است در صورت درخواست سپرده‌گذار، سپرده‌ی او را تحویل دهد، از طرف دیگر، همان سپرده را به فرد دیگری داده است تا همراه با بهره و به صورت تدریجی به بانک برگرداند؛ این یعنی خلق پول. و تا زمانی که سازوکار بانک روی این پاشنه می‌چرخد، نه می‌توان از بانک غیر ربوی صحبت کرد و نه حتی می‌توان به بانک اسلامی فکر کرد. اگر پول را در دنیای کنونی که از پشتوانه‌ی طلا و نقره بی بهره است، به پیشنهاد شهید بهشتی به عنوان سند کار انباشته در نظر بگیریم، این که بانک، سند کار انباشته‌ی سپرده‌گذار را به کسی اجاره دهد و در عین حال تعهد دهد که در صورت مطالبه‌ی سپرده‌گذار، آنرا بر خواهد گرداند، قبل از بحث حلال و حرام، یک دغل بازی دو طرفه‌ی اقتصادی است.

شهید بهشتی در کتاب «بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام» فعالیت‌های دسته‌ی اول بانک را به نفع جامعه دانسته و به نقد فعالیت‌های دسته‌ی دوم می‌پردازد:

**اقتصاد ربوی** یعنی چه؟ اقتصاد همراه با ربا دستگاهی شبیه به دستگاه‌های تصفیه آب زغالی و ماسه‌ای است که در روی این دستگاه، اقتصادی رنگارنگ، شکوفا، پر دامنه، پرتحرک، پر زرق و برق، یک گروه به شکل کارگر، یک گروه به شکل کشاورز، یک گروه به شکل کارمند، یک گروه حتی به شکل مدیران و کارگردانان، همه از یک سو در تلاش و قشر وسیعی هم مصرف کننده، خریدار، فروشنده، تولید کننده، توزیع کننده و ... [وجود دارند]. در این رو جنجالی است و هرکسی هم خود را صاحب همه چیز می‌داند. کشاورز می‌گوید وقتی موقع برداشت محصول از ماه خرداد تا ماه آبان فرا رسید بالاخره از زمین و هوا و درخت یک چیزی چنگش را می‌گیرد و باری دارد... اگر کشاورز پولداری باشد و حساب بانکی هم داشته باشد می‌بیند که ارقام موجودی حسابش بالا می‌رود... این روی دستگاه این طور است. اگر کسی زیر این دستگاه را نبیند، می‌گوید: چه اقتصاد شکوفایی! ولی زیر این دستگاه پر زرق و برق، دستگاه دیگری هست دارای شن‌ها و زغال‌ها و مویرگ‌های آبکش که تا سطح آن هم آمده و به همه جا نفوذ کرده است و این مویرگ‌ها از همه این تلاش‌ها در سطوح مختلف، رمق نهایی را می‌مکند و همه را در این دستگاه عبوردهنده می‌آورند و در زیر آن بصورت رودخانه‌ای به حرکت می‌افتد و همه به سمت سد نیرومند رباخوار حرکت می‌کنند. این وضع واقعی **اقتصاد ربوی** است.

در این اقتصاد نه فقط کارگر و یا کشاورز ناآگاهانه برای رباخوار کار می‌کنند، بلکه کارمند، کارگردان و حتی صاحب سرمایه هم هرکدام به نحوی برای او کار می‌کنند.<sup>۱</sup>

به عبارتی می‌توان بانک را به عنوان ستون فقرات یا **موتورخانه‌ی نظم سرمایه‌داری** در نظر گرفت که هم عامل حیات و سرپا

ایستادن آن است و هم عامل حرکت و بلعیدن هرچه بیشتر جامعه.

علم اقتصادی که وارد کرده‌ایم، فقر و اختلاف طبقاتی را تنها زمانی منفی می‌داند که خطر کاهش پایداری سود سرمایه‌داری را در پی داشته باشد. اما امام علی (ع) در همین مورد می‌فرماید: «همانا خدای سبحان، روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است؛ پس فقری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره‌ی گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید»<sup>۱</sup>. و این یعنی اگر محدودیت‌های حقیقی منابع در نظر گرفته شوند، ثروت‌های افسانه‌ای و فاصله‌ی طبقاتی، بی‌معنا می‌شوند. در حالیکه این مفاهیم در علم اقتصادی که در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود، معنایی ندارند. اقتصاددان تکنوکرات فقط با اعداد کار دارد و اینکه تصمیم اقتصادی او چه نتیجه‌ی غیر اقتصادی‌ای در جامعه دارد اهمیت چندانی برایش ندارد.

## بدون بانک ربوی چه کنیم؟!

حال اقتصاددان تکنوکرات می‌گوید با فرض درست بودن تمام این نقدها، باز هم نمی‌توان بانک را تعطیل کرد و تنها راه علمی! توسعه، همین است. او می‌گوید بدون وام‌های کلان و سرمایه‌ی عظیمی که بانک در اختیار صنعت می‌گذارد و همچنین بدون مسیرهای تبادلات پولی که بانک فراهم می‌کند، امکان رشد صنعتی و افزایش تولید وجود ندارد.

اولا نقدهای ما مربوط به دسته‌ی دوم فعالیت‌های بانک که همان فعالیت‌های ربوی‌ست و جامعه را استثمار می‌کند بوده و منطقی برای فعالیت‌های دسته‌ی اول، به خصوص در زمان حاضر، باید سازوکارهای سالم و بهینه‌ای وجود داشته باشد و در قبال انجام آنها کارمزدی دریافت کند؛ نه این که به عنوان فعالیت‌های جنبی بانک و به طور رایگان ارائه شود.

دوما وقتی از تمدن اسلامی سخن می‌گوییم باید تفاوت‌های **منطق عدالت محور و کمال طلب اسلامی و منطق حداکثر سود جهان غرب** را در نظر داشته باشیم. در منطق اسلام که دنبال کمال انسان است و جنبه‌ی مادی حیات جوامع انسانی را هم در نظر دارد، رشد صنعتی و افزایش تولید، تنها زمانی ارزشمند است که همراه با رفع نیازهای واقعی انسان و برقراری عدالت و فراهم شدن زمینه‌های کمال باشد و این گونه نیست که سعادت جامعه صرفاً در گرو افزایش تولید باشد. به وضوح می‌بینیم که پررونق‌ترین تولید صنعت و اقتصاد مدرن، «نیاز» جنون‌آمیز و روزافزون بشر است و نه «کالا»هایی برای رفع نیازهای حقیقی او.

اگر کمی از روزمرگی‌های معمول فاصله بگیریم و زندگی خود و اطرافیانمان را به دقت زیر نظر بگیریم، معمولاً این ما نیستیم که برای رفع نیازهایمان سراغ صنعت می‌رویم، بلکه صنعت برای فروش محصولات خود، با تبلیغات و هزار روش دیگر برای تولید نیاز، سراغ ما می‌آید. جنون مصرف، پیوندی ناگسستنی با اقتصاد ربوی دارد. همچنین افزایش جنون آمیز تولید، از یک سو به بازار

فروش جدید نیاز دارد و از سوی دیگر به مواد اولیه‌ی جدید و نیروی کار ارزان قیمت احتیاج دارد و این یعنی آغاز استثمار و استثمار.

تعهد ضمنی دیگری در اینجا وجود دارد. رونق تولید، منجر به رونق اقتصاد و بازار سرمایه می‌شود. ولی این تولید نیاز به مصرف دارد؛ بنابراین مصرف‌کنندگان متعهد می‌شوند، کالاهای تولیدی را هرچند حقیقتاً نیازی نداشته باشند، بخرند تا تولید از رونق نیافتاده و حال اقتصاد خوب بماند.

از طرفی روشن شده بود که تولید و صنعت نیز به وسیله‌ی وام‌ها، وابسته‌ی به بانک‌های رباخوار می‌شود. یعنی این تعهد ضمنی، چرخه‌ی اقتصاد سرمایه‌داری را کامل کرده و یک اقتصاد کارآمد و به ظاهر شکوفا پدید می‌آورد که عده‌ای را زیر این چرخ و عده‌ای را بر بالای آن می‌نشانند.

سوما تمام صناعی که حقیقتاً برای رفع نیاز انسان‌ها فعالیت می‌کنند و نه «تولید نیاز»، لزوماً به سرمایه‌های «بسیار بزرگ متمرکز» نیاز ندارند. سرمایه‌ی متمرکز، به دنبال خود قدرت‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی متمرکز را می‌آورد که زندگی و سرنوشت مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند و در جهان امروز از بزرگ‌ترین موانع تحقق مردم‌سالاری نیز می‌باشند.

«سرمایه‌های بزرگ لازم نیست همیشه متعلق به شخص یا اشخاص معین و محدود باشد و راه ایجاد سرمایه‌های بزرگ منحصر به همین راه و شیوه معمول کشورهای سرمایه‌داری و گرفتن وام‌های با بهره، کم بهره یا پر بهره، از بانک‌ها نیست. برای ایجاد سرمایه‌های بزرگ راه‌های گوناگون دیگری هست که مدت‌هاست مورد توجه کارشناسان اقتصاد دنیا قرار گرفته است. با تشکیل شرکت‌های بزرگ سهامی، تعاونی تولید، تعاونی مصرف، تعاونی تولید و مصرف و... می‌توان سرمایه‌های بزرگ متعلق به سرمایه‌دارهای کوچک به وجود آورد و در راه ترقی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی به کار انداخت، بی آن که پای سرمایه‌داران و رباخواران به میان آید.

در اینگونه شرکت‌ها اگر سودی به دست آید، میان افراد بیشتری تقسیم می‌شود و به تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود نمی‌انجامد و این کمکی است به عدالت اجتماعی و تعدیل اقتصادی و راهی است برای جلوگیری از به وجود آمدن سرمایه‌داران بزرگ مترف و عیاش و اسراف کار و تجمّل پرست در جامعه و پیدایش فاصله‌های زیاد اقتصادی میان افراد یک امت»<sup>۱</sup>.

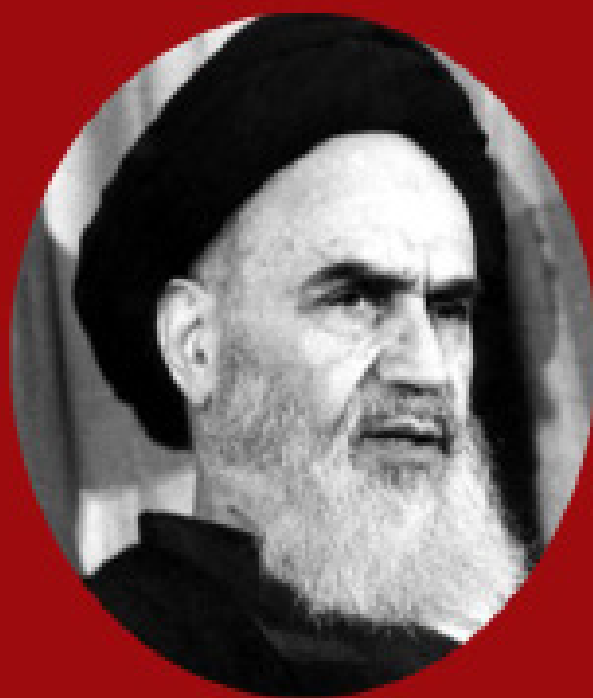
این اقتصاد مبتنی بر تعاون و مشارکت مردم، همراه با نظارت دولت عدالت‌خواه، همان اقتصاد مردمی‌ست که اقتصاددان‌های نئولیبرال ایرانی، آن را به نفع اقتصاد خصوصی مصادره کرده‌اند. کاملاً روشن است که سیاست‌گذاری‌های دولتی بر مبنای عدالت و در جهت کاهش فاصله‌ی طبقاتی در جامعه، و اعتماد مردم به چنین دولتی به خوبی می‌تواند سرمایه‌های کوچک مردم را در جهت پیشرفت جامعه جمع کند؛ بدون آنکه نیازی به سرمایه‌های بزرگ بانکی و نیازی به رباخواری باشد.

و استثمار و استضعاف (یا به تعبیر شهید مطهری، توحید اجتماعی) بنا شده. تعاون برای بقا و کمال یعنی همراهی و همکاری همه‌ی اعضای جامعه برای پیشرفت همه جانبه و نه تنها توسعه‌ی اقتصادی. وقتی این مبانی پذیرفته شد، بانک از جایگاه موتور محرک سرمایه‌داری تبدیل می‌شود به سازوکاری برای تعاون و تجمع توان‌های کوچک مردم برای انجام کارهای بزرگ و در واقع بانک به جای آن که در خدمت سرمایه و سرمایه‌داران باشد در خدمت جامعه قرار می‌گیرد. آن چه جای تعجب و نگرانی دارد، چرخش پر شتاب نظام اقتصادی ایران اسلامی در جهت همان نظام سرمایه‌داری جهانی شکست خورده است.

اقتصاد سرمایه‌داری توسعه را در توسعه اقتصادی خلاصه می‌کند و برای توسعه‌ی اقتصادی نیز قاعده‌ی تنازع بقا را می‌پذیرد؛ یعنی برای توسعه لازم است که همیشه یک عده، عده‌ی دیگری را استثمار کنند تا موتور توسعه همیشه روشن بماند.

تعهد نانوشته‌ی میان بانک و سپرده‌گذار و تعهد ضمنی میان تولیدکننده و مصرف‌کننده، دو زیربنای مهم این اقتصاد هستند که هر لحظه تزلزل در هر کدام، اساس جهان سرمایه‌داری را تهدید می‌کند. همانطور که امروز هم شاهد به لرزه افتادن نظام جهانی سرمایه‌داری در اثر اختلال به وجود آمده در بازار عرضه و تقاضا پس از شیوع جهانی کرونا هستیم. ایده‌ی جایگزین تنازع بقا، تعاون برای بقا و کمال است که بر مبنای عدالت





اگر چنانچه **رِبا** در کشوری مثل کشور ما خدای  
نخواسته در **بانکش** ، در تجارتش و در بین  
مردمش وجود داشته باشد؛

نمی توانیم بگوییم که  
جمهوری ما،  
جمهوری اسلامی است.